

# نگاهی به وضعیت ایران پس از گذشت سی سال از انقلاب ۱۳۵۷!

بهرام رحمانی  
bamdadpress@ownit.nu

«گاه گاه کارگران پیروز می شوند و این پیروزی ها تنها پیروزی های گذرنده است. نتیجه واقعی مبارزه آنان، کامیابی بلاواسطه آنان نیست بلکه اتحاد کارگران است که همواره در حال پیدایش و تکامل است. رشد مداوم وسایل ارتباط که محصول صنایع بزرگ است و کارگران نواحی گوناگون را به یکدیگر مربوط می سازد، در این امر به وی مساعدت می نماید. تنها این رابطه لازم است تا تمام کانون های مبارزه محلی را که در همه جا دارای یک خصیت واحد است به صورت یک مبارزه طبقاتی و ملی متمرکز سازد. هر مبارزه طبقاتی هم خود یک مبارزه سیاسی است...»

مارکس و انگلس «مانیفست کمونیست»

انقلاب ۵۷ مردم ایران و در پیشاپیش همه کارگران قهرمان نفت که با هزاران امید و آرزو برای ساختن یک دنیای بهتر، انسانی تر، آزادتر و مرفه تر به حاکمیت ۲۵۰۰ شاهنشاهی در ایران پایان دادند اما به دلایل مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و هم چنین توهم های مذهبی، این مردم حق طلب و ستم دیده نتوانستند آلترناتیو طبقاتی خود را پیش روی جامعه بگذارند. از سویی، سازمان و احزاب شناخته شده آن زمان هم چون جبهه ملی، حزب توده، نهضت آزادی، سازمان فدائیان اکثریت و... و هم چنین نهادها بورژوازی بین المللی از حکومت اسلامی حمایت کردند. رهبران و فعالین سازمان های چپ هم که تازه از زندان های مخوف حکومت پهلوی با قدرت مردم آزاد شده بودند تجربه کافی در سازمان دهی فعالیت های علنی و نوده ای نداشتند اما اعضا و فعالین و طرفداران این سازمان ها، جانفشانی های زیادی از خود نشان دادند اما در نتیجه نتوانستند از این وضعیت انقلابی به نفع توده های محروم استفاده کنند. حکومت اسلامی ایران، سرکوب های هولناک و خونین خود را با حمله به کردستان، ترکمن صحرا، تجمعات زنان، نیروهای سیاسی چپ، روزنامه ها، دانشگاه ها و راه انداختن جوخه مرگ در سراسر کشور، آغاز کرد و در یک کلام در سراسر کشور، آن چنان فضای پلیسی حاکم کردند که هیچ کس احساس امنیت نمی کرد. سرانجام جنگ ایران و عراق نیز به گسترش هر چه بیش تر این فضا، به حدی کمک کرد که خمینی آن را «نعمت الهی» نامید. بنابراین، سران حکومت اسلامی، با سرکوب و کشتار مردم آزادی خواه و جنبش های اجتماعی، پایه های حکومت خود را تحکیم بخشیدند.

اکنون هنگامی که در سی امین سالگرد این انقلاب، به وضعیت عمومی ایران نگاه می کنیم با این تابلوی هولناک روبرو می شویم که همه عرصه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، آن چنان ضایعات عظیم اقتصادی و انسانی خورده است که شاید در تاریخ اخیر جهان پی سابقه باشد.

در عرصه اقتصادی، تورم و گرانی کمرشکن است. صنایع کشور، به ویژه صنایع نساجی نابود شده و کارگران آن ها نیز بدون بیمه بی کاری مکفی به میان میلیون ها کارگر بی کار پرتاب شده اند. فشار و توهین نیروهای سرکوبگر حکومت بر زنان و جوانان در خیابان ها واقعا غیرانسانی، غیرقابل تحمل و چندیش آور است. مأمورین حکومت اسلامی، بدرفتاری شدیدی با زنان و جوانان می کنند و آن ها با توهین و تحقیر و ضرب و شتم دستگیر و به بازداشت های نامعلومی می برند.

در دانشگاه ها، تهدید و فشار بر دانشجویان حد و مرزی ندارد و بیش تر نشریات و تشکل های دانشجویی را تعطیل کرده اند و به ویژه فعالین چپ این جنبش را زندانی و یا تحت تعقیب پلیسی قرار داده اند. بسیاری از دانشجویان به دلایل سیاسی و حتا باورهای مذهبی مانند «بهائیان»، از تحصیل محروم مانده اند.

روزی نیست که کارگران به دلیل عدم پرداخت به موقع دستمزدها و دیگر مطالباتشان دست به تحصن، راهپیمایی و اعتصاب زنند و در مقابل یورش نیروهای سرکوبگر مقاومت نکنند. امروز تعدادی از فعالین جنبش کارگری بدون این که جرمی مرتکب شوند در زندان ها به سر می برند. فعالین جنبش زنان، به دلایل واهی دادگاهی و زندانی می شوند.

فشار و تهدید نویسندگان، روزنامه نگاران و هنرمندان و سانسور شدید بر آثار آن ها و هم چنین مطبوعات که از اولین ماه های تاسیس حکومت چهل و جنایت و سانسور اسلامی آغاز شده، هنوز هم ادامه دارد. هر روزنامه و نشریه ای که کوچک ترین انتقادی به حکومت مطرح کند و یا تلاش نماید مستقل از حکومت و جناح های فعالیت داشته باشد، بلافاصله بسته می شود و دست اندرکاران آن نیز بی کار و یا محاکمه و جریمه و زندانی می شوند.

حکومت اسلامی، با اتکا به قوانین وحشی اسلامی، دست و پا می برد؛ چشم درمی آورد؛ در خیابان انسان ها را به دار می آویزد و حتا کودکان را نیز اعدام می کند. بنابراین، هیچ بخشی از جامعه ایران را نمی توان یافت که مورد تعرض نیروهای سرکوبگر حکومتی قرار نگیرد.

در سطح بین المللی نیز حکومت اسلامی، به شدت منزوی است و به عنوان حکومتی که معیارها و قوانین بازی سیاسی بورژوازی و دیپلماتیک را رعایت نمی کند با فشار رفقای خود روبرو است و مهم تر از همه سران این حکومت در نزد افکار عمومی مردم جهان، به عنوان تروریست و جانی و دشمنان سرسخت آزادی های فردی و اجتماعی معروف هستند. تاکنون هر سال نهادهای بین المللی، از کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل تا کمیسیون حقوق بشر اتحادیه اروپا، از تشکل های کارگری، زنان، مدافع حقوق کودکان، روزنامه نگاران بدون مرز، انجمن جهانی فلم تا امنستی و... با صدور قطعنامه ها و ارسال نامه هایی به سران حکومت اسلامی، جنایات آن ها علیه بشریت را محکوم کرده اند و خواستار رعایت آزادی بیان، اندیشه، تشکل و هم چنین لغو اعدام و سنکسار و آزادی زندانیان سیاسی شده اند.

اما در مقابل این همه وحشی گری های حکومت اسلامی، جنبش های اجتماعی اعم از جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانشجویی، جنبش انقلابی کردستان و مردم تحت ستم و آزادی خواه سراسر ایران، به مبارزه خود در جهت سرنگونی حکومت اسلامی و برپایی یک جامعه آزادی و برابر و انسانی ادامه می دهند و مرعوب فضای پلیسی و رعب و وحشت حکومت نشده اند از این رو، حکومت اسلامی، پس از گذشت سی سال هنوز هم موفق نشده خودش را به عنوان یک «حکومت متعارف بورژوازی» طوری تثبیت کند و طوری امنیت سرمایه را برقرار نماید که نه تنها مانع فرار سرمایه داران از کشور شود، بلکه حتا سرمایه داران خارجی را هم به سرمایه گذاری در ایران جلب کند. در نتیجه این حکومت، بقای خود را صرفا با اتکا به سرکوب های وحشیانه و آفریدن بحران های سیاسی می بیند، به همین دلیل نیز سران حکومت اسلامی، دایما نگران آینده خود و حکومت شان هستند.

## وضعیت اقتصاد ایران

از نظر اقتصادی نیز حکومت اسلامی، اکثریت مردم ایران به خاک سیاه نشانده و اکثریت مردم این کشور، در خط فقر و یا زیر خط فقر زندگی بزمشقتی را می گذرانند. همین فقر سبب شده است که بسیاری از خانواده ها متلاشی و یا فرزندان آن ها از تحصیل محروم بمانند؛ ناچاراً به کارها سخت بپردازند و یا دچار اعتیاد و آسیب های اجتماعی دیگری شوند. در این سی سال، همواره قدرت خرید مردم و سطح زندگی شان پایین آمده و در مقابل گروه هایی از جمله به نام «افزاده ها» و ... بدون این که زحمتی برای کسب ثروت های کلان بکشند به یمن این که خویشان و نزدیکانشان در حکومت نقش مهمی دارند صاحب کارخانه و شرکت و ثروت های بادآورده ای شده اند.

در واقع کسی به درستی نمی داند که اقتصادی ایران از سطح درآمدها نا هزینه ها و ذخیره هایش در چه وضعیتی قرار دارد و چگونه به دست می آید و چگونه از دست می رود؟! چرا که حکومت اسلامی ایران، به مثابه یک حکومت تروریست و سرکوبگر نمی تواند در عرصه اقتصادی سیاست های شفافیتی داشته باشد از این رو، اقتصاد ایران هم چون قدرت سیاسی آن بین جناح و باندهای مافیایی تقسیم شده است که هر کدام به اندازه موقعیت و ظرفیت هایشان از آن سهم می برند. از هنگامی که احمدی نژاد، به ریاست جمهوری رسیده است یک هماهنگی و نزدیکی بیش تر بین رهبری حکومت اسلامی، دولت، مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان و ... برقرار شده است که این مساله به دولت نهم اجازه می دهد هر طوری دلش خواست درآمدهای کشور را هزینه کند و حتا از ذخیره ارزی نیز که برداشت آن به مجوز مجلس نیاز دارد بدون این مجوز برداشت نماید.

محمود احمدی نژاد، اوایل بهمن ماه ۱۳۸۷، لایحه بودجه کل کشور در سال ۱۳۸۸ را به مجلس شورای اسلامی ارائه کرد. به گزارش خبرگزاری فارس، پیش از ارائه لایحه بودجه ۱۳۸۸، رئیس جمهوری اسلامی در گزارشی به مجلس، این لایحه را «نسبتاً عملیاتی، منسجم و متناسب با شرایط امروز اقتصادی جهان» ارزیابی کرد و گفت: «این لایحه با لحاظ کردن کاهش درآمدهای نفتی تنظیم شده است.»

بودجه سال جاری، حدود ۲۹۰ هزار میلیارد تومان معادل حدود ۲۰۰ میلیارد دلار است. ارزیابی می شود رقم بودجه کل سال آینده، حدود ۳۱۰ میلیارد دلار باشد. لایحه بودجه سال آینده بر مبنای ارزش نفت به بهای هر بشکه ۲۷,۵ دلار تدوین شده، هم چنین در این لایحه ارزش هر دلار آمریکا در سال آینده ۹۵۰ تومان پیش بینی شده است.

احمدی نژاد، که تابستان گذشته اعلام کرده بود بهای نفت دیگر هرگز به پایین تر از ۱۰۰ دلار در هر بشکه کاهش نخواهد یافت، در سخنرانی خود در مجلس شورای اسلامی، در دفاع از بهای پیش بینی شده ۲۷,۵ دلار برای هر بشکه گفت: «نباید انتظار افزایش قیمت نفت را داشته باشیم؛ مگر این که اتفاق خاصی در محیط بیرونی به وقوع بپیوندد.»

محمود احمدی نژاد، در سخنان خود در مجلس، با اشاره به این که «دولت با توجه به شرایط امروز اقتصاد در عرصه جهانی، تلاش کرد که بودجه ریزی کشور را به سمت کاهش اتکا به منابع نفتی سوق دهد»، گفت که در لایحه بودجه سال ۱۳۸۸ «ریزکرد احتیاطی و کنترلی» را اتخاذ کرده است.

به گفته امیرمنصور برقعی، معاون برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری اسلامی، در لایحه بودجه «کاهش اتکا به نفت» و «رشد درآمدهای مالیاتی» لحاظ شده است. حذف یا کاهش پارانه ها و هم چنین افزایش بهای آب و برق برخی از مواردی است که در دو لایحه بودجه ۱۳۸۸ و هدفمند کردن پارانه ها تعیین خواهد شد.

موضوع بنزین و گازوئیل نیز از جمله مهم ترین مواردی است که سرنوشت آن ها در لایحه بودجه تعیین خواهد شد؛ چرا که به گفته رحیم ممینی، معاون بودجه معاونت برنامه ریزی ریاست جمهوری، در لایحه بودجه سال ۱۳۸۸ «اعتبارات مربوط به واردات بنزین و گازوئیل حذف شده است.»

از سوی دیگر در حالی که افزایش «کسر بودجه» در سال جاری از جمله بحران های بودجه در ماه های پایانی سال جاری خورشیدی است، موسسه بیزنس مانیتر پیش بینی کرده است کسر بودجه ایران در سال آینده، به ۴۷ هزار و ۷۲۱ میلیارد تومان خواهد رسید.

حدود ۸۰ درصد درآمدهای ارزی ایران از راه صادرات نفتی است. بهای نفت طی سال گذشته میلادی بیش ترین نوسان را داشت و از رکورد بیشه ای ۱۲۷ دلار در ماه ژوئیه (تیر ماه) به بهای فعلی بیشه ای حدود ۲۶ دلار رسید.

دانش جعفری، وزیر اقتصاد معزول دولت نهم، در یک نشست مطبوعاتی نسبت به «کسری موازنه پرداخت ها و ارز، کاهش درآمدهای نفتی و غیرواقعی بودن بخشی از درآمدها در بودجه سال آینده» ابراز نگرانی کرد و سال آینده را «سال سختی برای اقتصاد ایران» دانست.

وی هم چنین با افشای این نکته که کسری بودجه سال ۸۷ نه ۱۵ هزار میلیارد تومان مورد اشاره دولتمردان، بلکه حدود ۲۵ هزار میلیارد تومان است، پیش بینی کرد که کاهش بهای نفت مانع از تحقق درآمدهای دولت در سال ۸۸ شود.

بانک مرکزی ایران در آخرین گزارش خود، نرخ تورم در دوازده ماه منتهی به دی ماه را ۲۵,۹ درصد اعلام کرده که نسبت به ماه قبل افزایش نشان می دهد. متوسط یک ساله نرخ تورم در آخرین ماه پانز ۲۵,۵ درصد بوده است ولی در ماه جاری این رقم به مرز ۲۶ درصد نزدیک شده است.

تورم به معنی افزایش سطح عمومی قیمت هاست و نرخ آن در ایران با محاسبه قیمت ۲۵۹ قلم کالا و خدمات مصرفی تعیین می شود. کالاها و خدماتی که در محاسبه نرخ تورم مورد استفاده قرار می گیرد، عبارتند از: «خوراکی ها و آشامیدنی ها»، «دخانیات»، «پوشاک و کفش»، «مسکن»، «آب و برق»، «گاز و سایر سوخت ها»، «اثاث و لوازم و خدمات مورد استفاده در خانه»، «حمل و نقل و ارتباطات»، «تحصیل، بهداشت و درمان»، «تفریح و امور فرهنگی»، «رستوران و هتلداری» و «کالاهای و خدمات متفرقه.»

گزارش بانک مرکزی، نشان می دهد که نرخ تورم از ابتدای سال جاری خورشیدی هفت درصد افزایش پیدا کرده و از ۱۹,۱ درصد در فروردین ماه به ۲۵,۹ درصد در دی ماه رسیده است.

رشد نرخ تورم در ایران، از حدود دو سال پیش آغاز شد و هم چنان ادامه دارد. نرخ تورم فروردین ماه سال گذشته خورشیدی ۱۲,۸ درصد بود که در دی ماه به مرز ۲۶ درصد رسید. این آمار نشان می دهد که نرخ تورم نسبت به سال قبل دو برابر شده است. البته آمارهای غیردولتی، نرخ تورم را خیلی بیش تر از اعلام رسمی آن می دانند.

هم اکنون دولت لایحه موسوم به «تحول اقتصادی» را به مجلس فرستاده است. بر اساس لایحه دولت که هم اکنون نمایندگان مجلس مشغول بررسی آن هستند، پارانه کالاها و خدمات حذف و این پارانه ها به صورت نقدی بین خانوارها توزیع خواهد شد.

با اجرای این طرح، کالاها و خدمات به نرخ تمام شده و بین المللی عرضه خواهد شد. بنزین، گازوئیل، آب، برق و گاز از جمله کالاها و خدماتی است که فرار است به قیمت تمام شده و بین المللی عرضه شود.

بنابر برآورده های بانک مرکزی ایران، اجرای این لایحه حداکثر ممکن است حدود ۱۶ درصد تورم ایجاد کند که با تورم موجود نرخ تورم به بالای ۴۰ درصد خواهد رسید.

اما کارشناسان اقتصادی پیش بینی می کنند که با اجرای این طرح، تورم دست کم دو برابر خواهد شد و به بالای ۵۰ درصد خواهد رسید. فشار این بحران اقتصادی و تورم و گرانی بیش از همه بر خانواده های کارگری و عموماً نسبت به گذشته فشار بیش تری به مزدگیران خواهد آورد. هم چنین کارخانه های بیش تر بسته خواهند شد و کارگران آن ها نیز به صف میلیون بی کاران خواهد پیوست.

آمارهایی که در رابطه با بودجه ۸۸ از سوی یک عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی انتشار یافته است، نشان می دهد که شوک شدید قیمت ها و موج بی سابقه ای از تورم و گرانی در راه است. به گفته «ثروتی»، از کمیسیون

بودجه مجلس، دولت می خواهد ۸ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان را از طریق کشیدن روی قیمت های حامل های انرژی و «آزاد» کردن قیمت ها به خزانه واریز کند. از فرار ارقام منتشره بنزین به قیمت آزاد ۴۰۰ تومان در هر لیتر، گازوئیل ۲۷۰ تا ۲۵۰ تومان، نفت کوره ۱۶۰ تا ۲۰۰ تومان، نفت سفید ۲۷۵ تا ۲۱۵ تومان، گاز مایع ۱۵۰ تا ۲۰۰، گاز طبیعی غیر نیروگاهی ۷۵ تا ۱۲۰ تومان و برق ۸۰ تا یک صد تومان در هر کیلووات ساعت تعیین شده است. بی شک با گران شدن گازوئیل، بنزین و برق، همه تولیدات و حتی ایاب و ذهاب نیز گران تر خواهند شد.

حجم سالانه واردات کالا به ایران ۶۰ میلیارد دلار است و اگر ورود ۲۰ میلیارد دلار خدمات را نیز به آن بیفزاییم، در سال جاری خورشیدی هزینه ارزی ایران برای واردات کالاها و خدمات دست کم به ۸۰ میلیارد دلار خواهد رسید. بر اساس پیش بینی کارشناسان اقتصادی، اگر همین مقدار واردات در سال ۱۳۸۸ ادامه یابد، ایران در مبادله کالاها و خدمات با خارج با یک کسری ۲۵ میلیارد دلاری روبرو خواهد شد.

در ایران، دولت احمدی نژاد، میلیارد دلار درآمد استثنائی نفت را بر باد داد و به بنیادهای رفاهی و اقتصادی کشور و توسعه آن کم ترین اهمیتی نداد. همین رونق استثنائی، فقط طی سه سال گذشته نزدیک به دو بیست میلیارد دلار ارزش حاصل از نفت به خزانه داری حکومت اسلامی سرازیر کرده است. در سال ۲۰۰۸، بار دیگر رونق در بازار جهانی نفت به طور بی سابقه ای اوج گرفت و قیمت هر بشکه نفت در بازارهای جهانی به ۱۴۰ دلار رسید. اما در اواخر سال ۲۰۰۸، با اوج گیری بحران سرمایه داری جهانی، قیمت نفت نیز به سرعت تنزل پیدا کرد. میانگین ماهانه قیمت نفت در ژوئیه گذشته ۱۳۳ دلار و در دسامبر گذشته ۴۰ دلار بود.

احمدی نژاد، بخش قابل توجهی از درآمدهای نفتی را به عرصه تلاش برای تولید سلاح های هسته ای و مانورهای نظامی و خرید جنگ افزار اختصاص داده است. دولت احمدی نژاد، همواره برای مقابله با بحران های اجتماعی و اقتصادی و تورم و گرانی شانه بالا انداخته است. این در شرایطی است که حتی پیش تر کارشناسان حکومتی نیز بیمناک شورش های عمومی ناشی از بحران اقتصادی در داخل کشور هستند.

دولت امکان تامین حقوق کافی برای همه کارگران و کارمندان خود را ندارد. متوسط حقوق مزدبگیران به قیمت های ثابت کاهش می یابد.

سید علینقی خاموشی، رییس سابق اتاق بازرگانی و صنایع ایران که سی سال بر صندلی ریاست این نهاد اقتصادی بخش خصوصی تکیه زده بود در آخرین سخنرانی خود، تصریح کرد: «قدرت خرید مردم ایران سالانه پنجاه درصد در حال کاهش است.»

هم چنین یک عضو کمیسیون بودجه مجلس نیز در رابطه با افزایش دستمزدها گفته است: «در حالی که افزایش دستمزدها، به رغم نفت ۱۴۷ دلار در بشکه، نتوانست در سال جاری حتی نیمی از تورم را جبران کند، اکنون که نفت خام ایران به ۴۲ دلار در بشکه به فروش می رسد و چشم انداز کاهش بیش تر آن نیز بسیار محتمل است، در نتیجه نباید انتظار افزایش دستمزد در سال آینده را داشت.» بنابراین، با وجود تورم و گرانی فراینده، تغییر چندانی در افزایش دستمزدها نخواهیم دید و باز هم قدرت خرید خانواده های کارگری پایین خواهد رفت.

انستیتو نفت فرانسه (ئی.اف.پ) پیش بینی کرد قیمت هر بشکه نفت در سال ۲۰۰۹ میلادی ۲۰ تا ۴۰ دلار خواهد بود و در اواخر این سال به ۶۰ دلار خواهد رسید.

بدون تردید منابع نفت ذخایر با ارزشی هستند که در اختیار ایران نیز قرار دارد. اما چگونگی مصرف درآمد حاصل از این ذخایر، تأثیری در بهبود زندگی مردم رنج دیده کشور ما نداشته است. در سه دهه گذشته، کشورهایی که فاقد ذخایر نظیر نفت نیستند مانند ترکیه، کره جنوبی، مالزی و... به پیشرفت های زیادی در عرصه های اقتصادی و اجتماعی و رفاهی نایل آمده اند اما برخی کشورهای صاحب نفت مانند ایران، به لحاظ توسعه اقتصادی و اجتماعی از کشورهای پادشده عقب مانده اند. اساساً تورم و گرانی و بی کاری و فقر از یک سو و سرکوب های سیاسی از سوی دیگر، جامعه را به فساد و بحران و آسیب های اجتماعی سوق می دهد. حوزه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور را به طوری دگرگون می سازد که در آن، باندهای مافیایی فعال تر می شوند و هست و نیست مملکت را به باد می دهند.

مرکز پژوهش های مجلس، کسری بودجه سال آینده این کشور را ۲۴ میلیارد دلار برآورد کرده است. بر این اساس دولت در بودجه سال آینده ۱۰۲ میلیارد دلار هزینه در نظر گرفته است. میزان درآمدهای دولت در این مدت ۵۹ میلیارد دلار برآورد شده است.

محمود احمدی نژاد، رییس جمهوری ایران ماه گذشته لایحه ۲۸۳ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلاری بودجه را به مجلس ارائه داده بود. مجلس ایران از ۲۸ فوریه، لایحه بودجه سال آینده را بررسی خواهد کرد.

عامل اصلی همه بدبختی های جامعه ایران و به ویژه تورم و گرانی فراینده را باید در سیاست های اقتصادی دولت جستجو کرد. بخش عمده و بزرگی از حقوق بگیران و صاحبان مشاغل در استخدام دولت هستند و دولت حجمی بیش از ۷۰ درصد اقتصاد ایران را در اختیار دارد. از این رو، دولت برای جبران کسری بودجه خود، افزایش دستمزد کارگران و کارمندان را متناسب با نرخ تورم، در نظر نمی گیرد در واقع به سفره خالی آن ها نیز دست درازی می کند. از سوی دیگر، نیروهای سرکوبگر حکومت هرگونه اعتراض و اعتصاب بر حق آنان را نیز بی رحمانه سرکوب می کنند. روشن است که ادامه چنین حکومتی، هر چه پیش تر جامعه را به سوی بحران های شدیدتری سوق می دهد.

همه این آمارها و پیش بینی های کارشناسان اقتصادی، نشان می دهند که وضعیت اقتصاد ایران در سال ۲۰۰۹، وخیمتر خواهد شد و اوضاع بدتر خواهد شد. دولت محمود احمدی نژاد که کسری بودجه هنگفتی به بار آورده است، تصمیم گرفته نرخ برخی از اقلام مصرفی را آزاد کرده و از هزینه های دولت بکاهد. فساد مالی، سوء مدیریت، تورم نزدیک به ۳۰ درصد و عدم تحقق وعده های مردم فریبانه وی، باعث شده که حتی طرفدارانش نیز از او دوری بگیرند. از سوی دیگر اعتراضات و اعتصابات کارگران نیز روزبروز بیش تر می شود.

## احمدی نژاد و سرداران سپاه

احمدی نژاد که خود سابقه خدمت در سپاه پاسداران و جوخه های تروریستی حکومت دارد به محض این که به ریاست جمهوری رسید بیش ترین اعضای کابینه خود و حتی بسیاری از استانداران و فرمانداران و مدیران رده بالای دولت را از میان اعضای سابق سپاه و بسیج و سازمان های اطلاعاتی انتخاب کرده است.

احمدی نژاد، در این مدت سه سال ریاست جمهوری خود، به بهانه «خصوصی سازی» و «مزایده»، بسیاری از صنایع مهم و حساس کشور هم چون صنایع نفت، پتروشیمی و... را به سپاه پاسداران و تراکتوری سازی تبریز و... را به نیروهای بسیج واگذار کرده است. در این مدت، دایما تورم و گرانی به حدی بالا رفته که حتی نمایندگان مجلس ارتجاع نیز از احمدی نژاد سنوآل می کنند دلیل این همه تورم چیست؟ وی، با وقاحت و پررویی وجود گرانی و تورم در کشور را انکار می کند. بنابراین، با سر کار آمدن احمدی نژاد، با تشدید دخالت نظامیان در اقتصاد کشور، باندهای مافیایی درون حکومت نیز فعال تر شده و به غارت اموال عمومی کشور بیش از گذشته مشغولند. دزدی و چپاول و فساد اقتصادی و اخلاقی که در میان سران و نزدیکان آن ها و دیگر مقامات بلندپایه حکومت در همه ارگان های امنیتی، نظامی، قضایی و اجرایی کشور، عمومیت داشته اکنون فوق العاده زیادتر شده است.

صادق محصولی، در مراسم رای اعتماد به وزیر پیشنهادی کشور سرانجام پس از سخنان موافقین و مخالفان و دو مرتبه سخنرانی رییس جمهور، با ۱۲۸ رای موافق، ۱۱۲ رای مخالف و ۲۰ رای ممتنع از مجموع ۲۷۲ رای نمایندگان مجلس هشتم، به وزارت کشور رفت.

در این سه سال اخیر بعد از روی کار آمدن دولت نهم، همواره شعار اصلی دولت «مبارزه با مفساد اقتصادی»، «رانت خواری»، رسیدگی به «مستضعفین جامعه» و در نهایت «عدالت محوری» و «مهرورزی» بوده است.

یکی از مشاورین محمود احمدی نژاد، برای رسیدن به این مهم، صادق محصولی بود که بعداً وزیر کشور شد. محصولی از قدیمی ترین دوستان احمدی نژاد به شمار می رود و نزدیکی آن ها سیاه پاسداران باز می گردد. هم زمان با آغاز به کار احمدی نژاد در دانشگاه علم و صنعت، صادق محصولی هم از سیاه جدا شد و در بخش خصوصی به امر ساخت و ساز مسکن روی آورد. سپردن تصدک شهرداری تهران به احمدی نژاد توسط شورای شهر دوم، با تلاش های محصولی انجام گرفت. زمان بین شهردار تا رییس جمهور شدن احمدی نژاد بسیار کوتاه بود. با انتخاب احمدی نژاد به عنوان رییس جمهور، احمدی نژاد دین خود را نخست با انتخاب صادق محصولی به عنوان مشاور و سپس وزیر کشور ادا کرد.

با مطرح شدن نام محصولی در رسانه ها، سوابق او هم مورد توجه قرار گرفت و این اتفاق به هیچ وجه برای او مناسب نبود، چون حالا دیگر او به عنوان مرد ۱۲۲ میلیارد دلاری دولت نهم لقب گرفته است. کسب چنین سرمایه هنگفتی آن هم از راه ساخت و ساز در ظرف مدت ۱۰ سال چندان باور کردنی نیست. زیرا به دست آوردن این سرمایه هنگفت در طول ۱۰ سال، تنها با کمک گرفتن از رانت ها و روابط امکان پذیر خواهد بود. به گفته خود صادق محصولی، دارایی او هم اکنون ۱۶۰ میلیارد تومان است و این سرمایه را در طی ۱۰ سال و بعد از خروج از سیاه به دست آورده است، یعنی به عبارتی هر سال ۱۶ میلیارد تومان و تقریباً یک و سه دهم میلیارد تومان در ماه و روزانه بیش از ۴۰ میلیون تومان و در ساعت یک میلیون و هفتصد و پنجاه هزار تومان و در دقیقه ۲۹۲ هزار تومان در دقیقه درآمد داشته و...

این در حالی است که احمدی نژاد در یکی از سفرهای استانی خود گفته بود: «بعضی ها با رانت و رابطه لوله انداخته اند به چاه بیت المال و با موتور برق پول مردم را پمپاژ می کنند.»

## فساد اقتصادی در حکومت اسلامی ایران

فساد اقتصادی در حکومت اسلامی ایران، ریشه دارتر و عمیق تر است. فقط یک رقم ناچیز یک میلیارد دلاری در حکومت احمدی نژاد، «کم؟!» شده است. براساس گزارش رسانه ها در تاریخ ۵ فوریه ۲۰۰۹، در گزارش دیوان محاسبات مجلس شورای اسلامی، این سنوال مطرح شده است که «یک میلیارد دلار مازاد در آمد نفتی سال ۸۵ به کجا رفته است؟» گزارش دیوان محاسبات به مجلس، حکایت از این دارد که دست کم یک میلیارد دلار از مازاد در آمد نفتی کشور در سال ۸۵ به خزانه ریخته نشده است.

علی لاریجانی، رییس مجلس شورای اسلامی، اکید کرده است: «این گزارش نشانگر برخی موارد مهم است که از دیوان محاسبات می خواهیم با جدیت مواردی از قانون بودجه را که انحراف داشته و یا قانون در آن رعایت نشده را پیگیری کند.»

روز چهارشنبه شانزدهم بهمن ماه ۱۳۸۷، بنا به درخواست تعدادی از نمایندگان منتقد دولت، گزارش تسویه بودجه سال ۱۳۸۵ در مجلس قرائت شد. محمد مهدی مفتاح سخنگوی کمیسیون برنامه و بودجه مجلس هنگام قرائت این گزارش اعلام کرد که یک میلیارد و ۵۸ میلیون دلار از سود سهم دولت به حساب خزانه واریز نشده است. بر مبنای قوانین موجود، دولت می بایست هر اضافه درآمدی را به حساب خزانه واریز کرده و سپس با اجازه مجلس از آن برداشت کند. در حالی که در این مورد این قانون رعایت نشده است.

غیر از واریز نشدن بیش از یک میلیارد دلار مازاد بهای نفت به خزانه کشور، در گزارش تسویه بودجه سال ۸۵ موارد خلاف قانون دیگری نیز به چشم می خورد. به گزارش روزنامه اعتماد ملی، برخی از این تخلفات عبارتند از: واریز درآمدها به حساب های غیرمجاز، عدم رعایت مقررات حسابداری در ثبت درآمدها، وصول درآمد بدون مجوز، و در مورد شرکت های دولتی، پرداخت پرسنلی غیرقانونی، پرداخت غیرقانونی به اشخاص ثالث و رعایت نشدن این نامه اموال دولتی.

عبدالرضا رحمانی فضلی، رییس دیوان محاسبات گزارش داده علاوه بر کم شدن یک میلیارد دلار در سال ۱۳۸۵، دولت در این سال دو هزار مورد انحراف از قوانین بودجه نیز داشته است. رحمانی فضلی، به خیرگزاری مهر گفته است: طرح موضوعاتی دال بر استفاده سیاسی از داده های فنی و حرفه ای دیوان محاسبات از طرف گروه ها و افراد مختلف جفا به دیوان و فعالیت های آن است. این سخنان در واکنش به گفته های غلامحسین الهام، سخنگوی دولت است که گفته بود گزارش دیوان محاسبات در باره کم شدن یک میلیارد دلار «رنگ و بوی سیاسی» دارد.

گزارش تفریح بودجه سال ۱۳۸۵ که به تازگی از سوی دیوان محاسبات منتشر شده است نشان می دهد که یک میلیارد دلار از درآمدهای ارزی وارد خزانه نشده است. دیوان محاسبات موسسه ای دولتی است که زیر نظر مجلس فعالیت می کند و بر حساب های وزارتخانه ها، موسسات و شرکت های دولتی نظارت می کند که از بودجه سالانه استفاده می کنند.

دیوان محاسبات مسئول تطبیق قانون بودجه با میزان دخل و خرج دولت است و مواظب است تا وزارتخانه ها و موسسات دولتی، بودجه سالانه را در جای خود و به اندازه خرج کنند.

به گزارش خبرنگار «تابناک»، ۷ دی ۱۳۸۷، در حالی که مجید انصاری در گفتگو با «تابناک»، از اختلاف ده ها میلیارد دلاری موجودی کنونی صندوق ذخیره ارزی با آنچه باید باشد، برده برداشت و محمد شریعتمداری در گفتگو با ایلنا، مدعی شده بود که «ممکن است ۲۵۰ میلیارد دلار که دولت آقای احمدی نژاد در این دوره به دست آورده، پنهان باشد که صرف چه اموری شده ...»

روزنامه جام جم، یکشنبه ۸ دی ۱۳۸۷، از قول یک عضو ستاد مبارزه با مفساد اقتصادی از وجود ۸۴ مورد بدهکاری میلیاردی اشخاص حقیقی و حقوقی به بانک ها خبر داده است. به نوشته این روزنامه عزت الله یوسفیان ملا، گفت: «این اشخاص مجموعاً ۸۵۰۰ میلیارد تومان به صورت وام از بانک های دولتی گرفته اند که این تسهیلات هر کدام به ارزش بیش از ۱۰ میلیارد تومان به بالا برای هر فرد یا شرکت بوده که از ۲ بانک دولتی کشور خارج شده است.»

جام جم، نوشت که این عضو ستاد مبارزه با مفساد اقتصادی هم چنین خارج شدن چنین رقم بزرگی از بانک های کشور را متوجه بانک مرکزی و مدیران بانک ها دانسته، و گفته «برخی مدیران با سلیقه های متضاد و نداشتن تسلط کافی در ساماندهی بانک های دولتی کشور، باعث دریافت وام های میلیاردی از سوی افراد خاص شده اند و پس از مدتی مشخص شده که وام گیرنده به هر علتی قصد پرداخت ندارد.»

سایت تابناک، ۹ دی ۱۳۸۷، در این مورد نوشت: یک باند پنج نفره، توانست با ترفندهای گوناگون، مبلغی حدود پانزده میلیارد تومان از یک بانک خصوصی ایرانی خارج کند. به گزارش خبرنگار «تابناک»، سارقان عضو این باند، از شعبه های یک بانک خصوصی در شهرهای تهران، اصفهان و قشم، مبلغ پانزده میلیارد تومان از حساب های گوناگون مردم بیرون آوردند.

بنا بر این گزارش، این سارقان نخست مبالغی از حساب های مختلف مردم خارج و به برخی حساب های ایجاد شده منتقل می نمودند و سپس با چند بار نقل و انتقال حرفه ای، نام مبلغ را در حساب شعبه ای واقع در قشم جمع می کردند.

اعضای این باند که تعدادی از آن ها کارمندان سیستم بانکی و نیز برخی از آن ها دارای ارتباطهایی بوده اند، قصد بیرون رفتن از کشور از طریق قشم را داشته اند که از سوی دستگاه های مسئول، شناسایی و بازداشت شدند.

## ماجرای شهرام جزایری

شهرام جزایری عرب متولد ۱۳۵۱ اهواز، در دوران تحصیل خود برای کمک به اقتصاد خانواده بستنی فروشی می کرد. جزایری پس از اتمام تحصیلات مقطع متوسطه موفق شد در سال ۱۳۷۰ در رشته دندانپزشکی دانشگاه کرمان قبول شود و فعالیت خود را پس از آشنایی با برخی از بازرگانان این شهر آغاز کند. وی پس از موفقیت نسبی در صادرات سیر به کویت، به تهران

آمد و شرکت پدیده تجارت را به ثبت رساند و از این طریق به صدور فرش مبادرت ورزید. صادرات فرش برای جزایری سود کلانی را فراهم آورد و او دفاتر جدید تجاری در خیابان های زاگرس و ملاصدرا و میدان ونک دایر کرد. در سال ۱۳۸۰ شمار دفاتر تجاری او از ۱۸ مرکز فراتر رفت. طولی نکشید که شهرام جزایری به عنوان تاجر موفق در تهران، امارات و سایر کشورهای عربی معروف شد.

پس از صادرات فرش، او به سرمایه گذاری در کاغذ و روغن نباتی روی آورد و یک کارخانه ورشکسته روغن نباتی را خریداری کرد. هم چنین جزایری یکی از سازمان های بزرگ را که در آستانه ورشکستگی قرار داشت با سرمایه ۲ میلیاردی کمک کرد. شهرام جزایری، به ارتباط با مردان سیاسی آن زمان روی آورد؛ به گونه ای که حتی در مجلس ششم شورای اسلامی موفق به گرفتن کارت ۵۰۰ که دارنده آن می توانست در صحن علنی مجلس رفت و آمد کند، شد. او به عنوان مشاور کمیسیون اقتصادی مجلس در ۱۰ جلسه این کمیسیون حضور یافت. وام های کلانی که جزایری از بانک ها دریافت کرده بود بویژه دادن وام کلان ۵۰ میلیون دلاری او باعث شد که توجه مراجع قضایی به وی جلب شود.

در نهایت در تاریخ ۲۴/۸/۱۳۸۰ جزایری همراه پدر و همسرش در هواپیمایی که از تهران عازم امارات بود، دستگیر می شود. دادرس شعبه یک دادگاه عمومی تهران گفت: از تعدادی از افرادی که اسم آنان در دادگاه برده شده تحقیقاتی انجام شده که ادامه دارد. قاضی پرونده در پاسخ به این سؤال که چرا به آقای جزایری اجازه داده شد که اسامی تعداد زیادی از افراد را ببرد و در مقابل به کربلایی این اجازه داده نشد گفت: به جزایری سه بار برای عدم اعلام اسامی تذکر داده شد ولی وی به رغم این تذکرات اسامی تعدادی از افراد را برد ولی کربلایی متهم ردیف دوم پس از تذکر از ذکر نام افراد خودداری کرد. وی افزود: در این پرونده برای سه نفر از آفازاده ها فرار صادر شده است.

شهرام جزایری عرب، به عنوان سهامدار عضو هیات مدیره شرکت های مختلف تجاری و مشاور فنی کمیسیون های اقتصادی مجلس بود که در آبان ماه سال ۱۳۸۰ به دلیل تاسیس شرکت های صادرات و واردات (بیش از ۵۰ شرکت) و گردش کاذب تسهیلات در این شرکت ها و هم چنین پرداخت ۲۸۰ میلیارد ریال رشوه و استفاده از اسناد جعلی به اتهام اخلاق در نظام اقتصادی کشور دستگیر شد. از دیگر اتهامات وی تحصیل مال غیر قانونی، معافیت سربازی، استفاده از سند مجعول، تصدی بیش از یک شغل، حیف و میل اموال دولتی و اخلاق در نظام صادراتی کشور است.

وی به واسطه این اتهامات جمعا به ۲۷ سال حبس محکوم شد اما پس از آن که رای این متهم از سوی شعبه ۲۰ دیوان عالی کشور نقض شد، این پرونده در اردیبهشت ماه سال ۸۵ با ابلاغ ویژه آیت الله شاهرودی، رییس قوه قضائیه به شعبه هم عرض دادگاه بدوی (شعبه ۱۱۹۲ مجتمع قضایی امور اقتصادی) ارسال شد.

علی زادسر نماینده جیرفت در مجلس شورای اسلامی و عضو کمیسیون قضایی حقوقی، در مورد شهرام جزایری، ۱۸ مهر ۱۳۸۴ به رسانه ها گفت: موضوعی که اکنون مایه رنج شده این است که ما آمدم طرح مبارزه با مفاسد اقتصادی را به صورت گسترده مطرح کردیم، بعد کسی مثل شهرام جزایری پیدا شد که طرف کم تر از ۲ سال چند صد میلیارد تومان گردش سرمایه اش بود. سر و صدایی در رسانه ها بر پا شد و امروز پس از گذشت چند سال مردم سؤال شان این است که الان شهرام جزایری کجاست؟ آیا تکلیف آن هایی که از او پول گرفته بودند مشخص شد؟ و آیا این پول ها به خزانه بازگشته یا خیر. وی تصریح کرد: اگر این پرونده به صورت شفاف و روشن رسیدگی می شد و مردم از سرنوشت آن مطلع می شدند، به باقی اقدامات در این زمینه اعتقاد پیدا می کردند.

خبرگزاری انتخاب، در اسفند ماه ۱۳۸۵، نوشت: دادگاه تجدید نظر، شهرام جزایری عرب را به ۱۴ سال حبس، ۱۰ سال تبعید، ۱۰ سال محرومیت از فعالیت های بازرگانی و تجاری و جریمه نقدی ۱۳۲ میلیون و ۸۴۰ هزار و ۲۰۰ دلاری محکوم کرد. شایان ذکر است که جزایری، در انتخابات ریاست جمهوری خاتمی، به دفاتر انتخاباتی وی و برخی از نمایندگان مجلس کمک های کلانی کرده بود در رقابت های جناحی دستگیر و دادگاهی شد. وی به عناصری که رشوه داده بود در دادگاه با آوردن اسامی آن ها، گفته بود که این کمک ها را به عنوان «خبریه» به آن ها پرداخت کرده است. هم چنین در رقابت جناح ها درون حکومت، این ماجرا به رسانه ها نیز کشیده شد. در رسانه های حکومتی خبری منتشر شد که ظاهرا جزایری، از دست مامورین قضایی گریخته و موفق به خروج از کشور شده است. سپس همین رسانه ها اعلام کردند که مامورین وزارت اطلاعات حکومت اسلامی، او را در یکی از شیخ نشین های خلیج دستگیر و به ایران برگردانده اند. داستانی که مسئولین امنیتی - قضایی حکومت اسلامی درست کردند بیش تر به داستان های پلیسی و فیلم های هالیوودی شباهت دارد تا واقعیت.

## سوادآموزی

در حالی که دولت احمدی نژاد، همانند دولت های گذشته، بودجه های کلانی به عرصه های امنیتی، انتظامی، سپاه، بسیج، خرید سلاح های کشتار جمعی و فعالیت های امنی، تبلیغات اسلامی، امام جمعه ها، نهادهای سرکوب، شرکت ها دولتی و... اختصاص می دهد برعکس، به عرصه هایی نظیر آموزش و پرورش، آموزش عالی و تحقیقات، وزارت بهداشت و درمان، خدمات شهری و... بودجه ای ناچیزی اختصاص می دهد از این رو، این نهادهای رفاهی و خدماتی که مستقیما با تحصیل و توسعه علمی، جان و زندگی، بهداشت روانی و جسمی مردم سر و کار دارند همواره با کسر بودجه روبرو هستند. به گفته علی ابراهیمیان، معاون نهضت سوادآموزی کشور، نرخ بی سوادگی کشور در حال حاضر ۱۲ درصد است و ۹ میلیون و ۴۵۰ هزار نفر در کشور بی سواد مطلق هستند. بالاترین نرخ بی سوادگی مربوط به استان سیستان و بلوچستان و بالاترین نرخ باسوادی مربوط به استان تهران است.

محمداحسان تقی زاده، سرپرست موسسه آموزش از راه دور نیز با اشاره به گزارش سازمان بازرسی کل کشور پیش از این گفته بود قبل از انقلاب در سال ۵۵، ۱۴ میلیون نفر بی سواد بودند که براساس سرشماری سال ۸۵، این رقم به ۹ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر رسیده است و سازمان بازرسی کل کشور اعلام کرده که اگر این روند ادامه پیدا کند، بی سوادگی در کشور ۵۵ سال دیگر ریشه کن می شود. اما من معتقدم گزارش سازمان بازرسی کل کشور خوشبینانه است و با ادامه این روند ریشه کنی بی سوادگی ۷۵ سال طول می کشد.»

## وضعیت آموزش و پرورش

وضعیت اقتصادی آموزش و پرورش به حدی بحرانی است که حتی وزیر آموزش و پرورش نیز اقرار کرده است: «تا حالا سه بار بر سر کسر بودجه بغض گلویم را گرفته است، آخر یک وزیر که نباید به اندازه من ذلیل و مستاصل باشد...»

ایسنا، ۸ بهمن ۱۳۸۷، در این مورد نوشت: وزیر آموزش و پرورش در جلسه مشترک با اعضای فراکسیون فرهنگیان مجلس، در توضیح شدت مشکل آموزش و پرورش از نظر کسری بودجه، گفت: تاکنون سه بار برای بحث و پیگیری کسری های آموزش و پرورش در جلسات رسمی بغض گلویم را گرفته است. آخر یک وزیر که نباید این قدر ذلیل باشد. من یک مرد هستم، اما استیصال، من را به این روز انداخته است و این در حالی ست که بنده تا بخواهم در جایی حرف بزنم، می گویند باز این آمد از کسری بودجه آموزش و پرورش بگویند و آن وقت است که صورت مساله کاملا پاک می شود و تمام!

وزیر آموزش و پرورش، یکی از راه های حل این مشکلات را اجرای طرح ساماندهی نیروهای انسانی دانست و با تأکید بر این که برای این طرح نیز که هدف صرفه جویی داشت، محدودیت های بسیار زیادی ایجاد کردند، تصریح کرد: همیشه حداقل ۲۰ درصد کسری بودجه در آموزش و پرورش وجود داشته و این در حالی ست که یکی از راهکارهای حل این معضل واگذاری مسئولیت ها به دستگاه های دیگر است، اما به راستی کدام دستگاه این امر را تقبل می کند.

وزیر آموزش و پرورش، گفت: طرح مقاوم سازی مدارس که منابع آن از حساب ذخیره ارزی برداشت می شود، امسال سال آخر اجرای آن است که در مجموع، یک هزار و ۹۰۰ میلیارد تومان برای اجرای این طرح کسری لحاظ می شود.

هم اکنون بیش از ۹۰ درصد مدارس کشور دولتی هستند و کادر آموزشی آن به شدت از کاهش قدرت خرید خود رنج می برد. این وضعیت در کیفیت تحصیلی تاثیر به سزایی دارد. بر اساس تحقیقات در این سی سال، دایما قدرت خرید کارگران فرهنگی کاهش یافته و یا به عبارت دیگر پرداخت نشده و دولت به کادر فرهنگی کشور بدهکار است. تورم و گرانی، یعنی کاهش قدرت خرید، یعنی تخریب در ارزش های اخلاقی و رفتاری جامعه، یعنی در نهایت اختلال در نظم عمومی و امنیتی، سیاسی و اجتماعی مردم.

## اعتراض معلمان

اکنون بیش تر معلمان مدارس و دبیرستان و دبستان های تهران و کشور به فکر سازمان دهی و آماده کردن شرکت در تحصن و اعتصاب گسترده روزهای آغازین اسفند ماه و هم چنین روزهای پایانی سال ۸۷ هستند. این حرکت معلمان، به لحاظ اجتماعی و سیاسی بسیار مهم و قابل توجه و ارزنده است، به خصوص اگر معلمان بتوانند دانش آموزان و خانواده آن ها را نیز به این اعتصاب بکشانند، یک حرکت موثر و عظیمی خواهد بود. علاوه بر این، اگر هم زمان کارگران و تشکل های آن ها، دانشجویان، زنان و مردم تحت ستم نیز به حمایت و پشتیبانی از این اعتصاب معلمان برخیزند یک حرکت سراسری تاریخی شکل خواهد گرفت که علاوه بر تحمیل مطالبات معلمان به حکومت، پایه های آن را نیز هر چه بیش تر سست خواهد کرد. آنچه که در سال های اخیر بر حرکت اعتراضی معلمان گذشته هم دردناک و هم تجارب مثبت مبارزاتی است. معلمان به عنوان کارگران فرهنگی و بخشی از طبقه کارگر ایران، در سال های اخیر مبارزه سختی را پیش برده اند. حکومت اسلامی، برای شکستن مقاومت معلمان و اتحاد آن ها، تعدادی از فعالین حرکت آن ها را دستگیر و زندانی و یا به مناطق بد آب و هوای کشور تبعید کرده است.

معلمان بارها اعلام کرده اند که از وضعیت هزاران معلم قراردادی، از سطح دستمزد بسیار نازل و از سایر دردها و رنج های زندگی و هم چنین شیوه آموزشی صبرشان لبریز شده است. آن ها سال های طولانی شاهد این واقعیت بوده اند که هیچ کدام از جناح های حکومتی توجهی به آموزش و پرورش نداشته و این نهاد مهم مملکت، همواره با کسر بودجه مواجه بوده و هم چنین معلمان نیز با مشکلات عدیده ای روبرو بوده اند. از سویی اعتراضات بر حق آن ها، با تهاجم پلیس و سایر نیروهای سرکوب سرمایه روبرو بوده است. شدت هجوم نیروها سرکوبگر به حدی غیرانسانی بوده است که معلمان زیادی دستگیر و حتی به خانه های شماری از آن ها، نامه های تهدیدآمیز ارسال شده است.

مبارزه معلمان علیه حکومت اسلامی در سی سال گذشته، در سال های اخیر شدت بیش تری به خود گرفته است. خواست معلمان در مبارزه برای بهبود شرایط زیست و زندگی، رفع تبعیض و نابرابری، خواست تمام کارگران و مردم محروم و تحت ستم به سئوه آمده از فقر و اختناق است. برای نمونه، اعتصاب دو روزه ۲۶ و ۲۷ فروردین ۱۳۸۱، سراسر مدارس ایران را فراگرفت، اعتصاب بسیار با شکوهی بود. در دور افتاده ترین شهرها و روستاهای کشور نیز معلمان به اعتصاب پیوستند. با اعتصاب عمومی، معلمان کشور بار دیگر به ادامه مبارزه حق طلبانه تا رسیدن به خواست های خود از جمله آزادی همکاران زندانی شان، افزایش دستمزدها، تامین مسکن، متوقف کردن تهدیدها و دستگیری ها و هم چنین آزادی اعتصاب و تشکل تاکید کردند. در این روز در سبزوار، نیشابور، اصفهان، قوچان، چناران، بجنورد، اصفهان، شهرضا، فلاورجان و فولاد شهر، زرین شهر، الیگودرز، ملایر، ساوه، خمین، اراک، شهریار، شهر رس، ورامین، پاکدشت، هشتگرد، ساوجبلاغ، کهریزک، اسلامشهر، نواحی مختلف کرج و هم چنین در برخی شهرهای آذربایجان و کرمانشاه اعتصاب جریان داشت. بنا به گزارش ها، حدود ۱۰۰ نفر از معلمان معترض در تهران دستگیر و زندانی شدند. هم چنین بازداشت معلمان در شهرهای دیگر نیز گزارش شده است.

در جریان این حرکت در شهرهای همدان و اردبیل حدود ۲۵ نفر از معلمان دستگیر شدند. در این دو روز، معلمان منطقه ۵ آموزش و پرورش در تهران هم زمان با اعتصاب، دست به تجمع اعتراضی زدند. نزدیک به هزار نفر از معلمان این منطقه، در مقابل اداره آموزش و پرورش این ناحیه دست به تجمع اعتراضی زدند. در سقز اعتصاب گسترده و اکثر مدارس تعطیل بود. در سنندج، سقز، بوکان و مریوان بسیاری از مدارس تعطیل شدند. در استان مرکزی، همدان و لرستان، معلمان در مدارس راهنمایی و دبیرستان ها دست به اعتصاب زدند.

در این تجمعات، معلمان خواهان آزادی فوری معلمان زندانی در تهران و در سراسر کشور، محکوم کردن دستگیری معلمان، افزایش حقوق و هماهنگ سازی حقوق ها شدند و اعلام کردند در صورت بر آورده نشدن خواست های معلمان به اعتراضات خود ادامه خواهند داد.

حکومت اسلامی برای زهر چشم گرفتن از معلمان، گروهی از آن ها را بازداشت، احضار، محاکمه، تعلیق و تبعید و زندانی کرده است. هم چنین حکم اعدام برای فرزند کمانگر، معلم اهل کامیاران را نیز صادر کرده است. اخیرا سخنگوی قوه قضائیه حکومت اسلامی، با تایید صدور حکم اعدام فرزند کمانگر، اتهام این معلم و عضو کانون صنفی معلمان کردستان را امنیتی توصیف کرده، و حتی بی شرمانه گفته است «او قصد بمب گذاری در یک دانشگاه را داشته است». فرزند کمانگر را سال ۸۵ دستگیر کرده اند. باین گونه دو سال است که فرزند زیر وحشیانه ترین شکنجه ها قرار دارد. وی در رنج نامه ای که اخیرا نوشت و از زندان به بیرون فرستاد این شکنجه ها را افشا کرده است. همه می دانند فرزند غیر از این که حق خود و همکارانش را طلب کند هیچ «جرم» دیگری مرتکب نشده است.

براساس گزارشات حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ معلم احکام مختلفی گرفته اند و دایما از سوی ارگان های سرکوبگر حکومت مانند وزارت اطلاعات، نیروی انتظامی، استانداری، هیات های تخلفات اداری و...، مورد تهدید و احضار، بازجویی، اخراج، کسر حقوق، تبعید و زندان قرار می گیرند.

معلمانی که در اعتراض به شرایط سخت زندگی شان، دست به اعتصاب و تجمع می زنند به جرم «اقدام علیه امنیت»، بازداشت، محاکمه و محکوم می شوند. مامورین امنیتی - انتظامی حکومت، اعتراض به ستم و نابرابری، بی حقوقی و استثمار را با سرکوب و پرونده سازی پلیسی جواب می دهند. سران و ارگان های سرکوبگر حکومت اسلامی، با این نوع برخوردها با اعتراضات معلمان، کارگران، زنان، دانشجویان و روزنامه نگاران و...، عملا مرعوب کردن کل جامعه را دنبال می کند. قطعا در مقابل این وحشی گری حکومت اسلامی، نباید ساکت ماند و در این اعتراض بر حق با معلمان همراه و هم گام نشد. تنها ابزار معلمان برای تحمیل خواست هایشان به حکومت، تحصن، اعتصاب و راه پیمایی ... است. اگر بخش های دیگر جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانشجویی و روشنفکران مترقی و هم چنین دانش آموزان و خانواده آن ها نیز به این حرکت های اعتراضی معلمان بپیوندند از یک سو، نیروهای سرکوبگر جرات حمله به آن ها را نخواهند داشت و از سوی دیگر، اجبارا حکومت به خواست های معلمان کردن خواهد گذاشت. ضرورت مبارزه طبقاتی این است که این اتحاد و همبستگی به همه عرصه های مبارزات اجتماعی کشیده شود. یعنی در هر جایی که مبارزه بر حقی وجود دارد برای دفاع از آن نباید یک لحظه هم غفلت کرد. بنابراین، از هر طریق ممکن با صدای حق طلبانه معلمان، احساس همدردی و همبستگی کنیم و آن ها را در این مبارزه تنها نگذاریم.

## وضعیت آموزش عالی و پژوهشی

رییس کمیسیون آموزش مجلس، درباره اعتبارات آموزش عالی و پژوهشی کل کشور گفت: در سال ۸۸ شاهد کاهش اعتبار تحقیقاتی از تولید ناخالص ملی هستیم این در حالی ست که در سال پایانی برنامه چهارم قرار داریم و باید سهم پژوهش از تولید ناخالص ملی به ۲ درصد می رسید!

علی عباسپور نهرانی فرد، در گفتگو با خبرنگار مهر افزود: اعتبارات ۸۸ وزارت علوم و دانشگاه های آن در بخش هزینه ای یک هزار و ۶۶۴ میلیارد تومان بوده که یک هزار و ۲۵۷ میلیارد آن به بخش هزینه ای دانشگاه ها و ۱۰۶ میلیارد تومان اعتبار مراکز پژوهشی وابسته به وزارت علوم است.

وی اضافه کرد: از این رو شاهد رشد ۱۵ درصدی اعتبارات هزینه ای دانشگاه ها و مراکز پژوهشی نسبت به بودجه مصوب سال ۸۷ هستیم که اگر کسری حدود ۶۶ میلیارد تومانی اصلاحیه بودجه ۸۷ را که به اعتبارات وزارت علوم اختصاص داده شده به بودجه مصوب ۸۷ اضافه کنیم، این ۱۵ درصد کاهش می یابد.

رئیس کمیسیون آموزش گفت: بر اساس اظهار نظر وزارت علوم با بودجه پیش بینی شده برای سال ۸۸، وزارت علوم در سال آینده با حدود ۵۹۰ میلیارد تومان کسری مواجه خواهد بود این وزارتخانه عنوان می کند کسری باعث می شود که وزارت علوم برای دست یابی به اهداف تعیین شده در برنامه با مشکل مواجه شود.

وی با اشاره به اعتبارات تملک دارایی که برای وزارت علوم در لایحه بودجه ۸۸ پیش بینی شده است به مهر گفت: در حدود ۴۲۰ میلیارد تومان اعتبار برای بخش تملک دارایی به وزارت علوم اختصاص یافته است که این بودجه نسبت به اعتبارات مصوب سال ۸۷ در حدود ۸ درصد کاهش داشته است.

## کسر بودجه دانشگاه ها

با وجود ۲۵۰ میلیارد تومان کسری بودجه امسال دانشگاه ها، در بودجه سال ۸۸، سهم محدودی برای دانشگاه ها در نظر گرفته شده است.

در حالی که بنا به گفته مسئولین دانشگاه ها، بودجه مصوب دانشگاه ها در سال جاری حتی کفاف هزینه های روزمره دانشگاه ها را نیز نمی دهد، بودجه پیشنهادی دولت برای دانشگاه ها در سال ۸۸، به مقدار بسیار محدود افزایش یافته که در مقایسه با تورم کنونی دانشگاه ها را با بحران مالی مواجه خواهد کرد.

به گزارش مرکز خبری امید، ۲۲ دی ۱۳۸۷، در سال جاری وزارت علوم و مراکز آموزش عالی کشور با ۲۵۰ میلیارد تومان کسری بودجه دست یابی به اهداف تعیین شده در برنامه با مشکل مواجه است که ۲۰۰ میلیارد تومان آن مربوط به کسری نسبت به سرانه دانشجویی است و حدود ۵۰ میلیارد تومان آن نیز مربوط به دانشگاه های مادر است.

در حال حاضر دولت بودجه پیشنهادی خود را تدوین و در حال بررسی اصلاحیه های آن است. در این بودجه اعتبار دانشگاه ها نسبت به سال گذشته افزایش قابل توجهی نداشته است و دولت نیز پیش از این اعلام کرده که متممی برای بودجه نخواهد داشت و تنها اصلاحیه هایی که فرستاده می شود بررسی خواهد شد. (کسری بودجه ها بیش تر در طول سال از طریق متمم برای مراکز مختلف تامین می شود)

رازقی، معاون طرح و توسعه وزارت علوم با بیان این که برای سال آینده نیازمند دو هزار میلیارد تومان بودجه برای دانشگاه ها هستیم، گفت: اما متأسفانه نسبت به تامین این بودجه خیلی خوشبین نیستیم و بودجه پیشنهادی دولت شامل رقم افزایشی قابل توجهی نیست.

وی، هم چنین در این رابطه گفت: میالغی که به بودجه سال ۸۸ دانشگاه ها اضافه شده انقباضی است و عدد بسیار کمی نسبت به سال قبل افزایش دارد این در حالی است که افزایش بودجه پارک های علم و فن آوری بیش تر از دانشگاه ها در نظر گرفته شده است. در حال حاضر بسیاری از روسای دانشگاه ها و مسئولان پژوهشی کشور در انتظار اصلاحیه بودجه و جبران کسری ۲۰۰ میلیارد تومانی بخش آموزشی و پژوهشی هستند که به زودی اعلام خواهد شد. البته در این میان بخش اعظمی از بودجه سال آینده بابت هزینه های امسال که شامل کسری بودجه می شود، صرف خواهد شد.

آن طور که علی عباسپور نهرانی، رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس گفته است، از این جابه جایی تنها ۸۰ میلیارد تومان سهم وزارت علوم است. غیر از همه این ها سعید سهراب پور، رئیس دانشگاه صنعتی شریف هم با اعلام چهار میلیارد تومان کسری بودجه، گفته است که پیش بینی افزایش بودجه دانشگاه ها برای سال ۸۸، یک سوم تورم است: «ابتدا قرار بود به دانشگاه های برتر و مادر در سال اول برنامه چهارم ۱۵ میلیارد تومان در جهت اهداف موجود تخصیص یابد و این مبلغ در سال بعد سه برابر شود تا این دانشگاه ها در رتبه بندی های جهانی به جایگاه مطلوبی دست یابند، اما این اعتبارات هنوز تخصیص نیافته است و در واقع با وضعیت و امکانات موجود دست یابی به اهداف تعیین شده امکان پذیر نیست.» اوضاع برای دانشگاهی مانند شیراز، وخیم تر است. به گفته رئیس دانشگاه شیراز، این دانشگاه با ۱۴ میلیارد تومان کسری بودجه مواجه است. دانشگاه اصفهان هم شش میلیارد تومان کسری دارد. بدتر از همه این ها، دانشگاه علوم پزشکی تبریز است که تا پایان سال با ۶۵ تا ۷۰ میلیارد تومان کسری بودجه مواجه می شود؛ ۲۰ میلیون بدهی پرسنلی مانده از سال ۸۶ و ۲۵ میلیون هم کسر بودجه امسال. پیش از این هم وزارت بهداشت اعلام کرده بود که رشد بودجه سال ۸۸، کفاف هزینه دانشگاه های علوم پزشکی را نمی دهد و این دانشگاه ها در سال ۸۸ برای پرداخت هزینه پرسنل با مشکل مواجه می شوند. با همه این ها نباید انتظار داشت دانشگاه های ایران رتبه ای بهتر از ۱۱۰۰ میان دانشگاه های جهان داشته باشند.

## کودکان کار

سعید مدنی، جامعه شناس اصلی ترین عامل به وجود آمدن کودکان کار را شرایط نابسامان اقتصادی دانسته و نهادهایی چون سازمان بهزیستی و کمیته امداد را مسئول رسیدگی به وضع خانواده های کم درآمد می داند. به اعتقاد وی این نهادها باید با دادن امکانات به این خانواده ها از اجبار کودکان آن ها به کار جلوگیری کنند.

مدنی، اخیراً در گفتگو با رادیو دویچه وله، گفت: متأسفانه بسیاری از مشکلات اجتماعی مربوط به این است که هیچ تعریف و همین طور آمار دقیقی از وضعیت کار کودکان در ایران وجود ندارد. در شمارش هایی که به طور معمول صورت می گیرد البته کودکانی که در فاصله سنی ۱۰ تا ۱۴ سال و همین طور ۱۴ تا ۱۸ سال مشغول به کار هستند، تعدادشان مشخص می شود ولی در وهله اول این که اولاً کودکان زیر ده سال مشخص نمی شوند، ثانیاً کودکانی که به صورت غیرقانونی و در واقع به صورت پنهان کار می کنند هم در این شمارش در نظر گرفته نمی شوند. به علاوه بخش عمده ای از کار کودکان در خارج از کارگاه های رسمی صورت می گیرد که اصولاً این شمارش ها متمرکز بر کارگاه های است که به صورت رسمی فعالیت دارند و احیاناً بخش قابل توجهی از کارکنان شان تحت پوشش بیمه ها هستند.

براساس آمار سال ۸۵، حدود یک میلیون نفر از شاغلین ایرانی در دامنه سنی ۱۰ تا ۱۹ سال بوده اند. در واقع می شود گفت که رسماً حدود یک میلیون و چهارصد و پنجاه و چهار کودک ایرانی مطابق آمار رسمی شاغل بودند و تحت پوشش آمار قرار گرفتند که البته با در نظر گرفتن بیش از سه میلیون کودک سنین مدرسه که در مدرسه ها حضور ندارند، می شود گفت که این آمار فقط نیمی از این ها را تحت پوشش قرار داده است. در میان این نزدیک به یک و نیم میلیون نفر کودک شاغل، حدوداً صد و هشتاد و پنج هزار نفر در دایره سنی ۱۰ تا ۱۴ سال بودند و مابقی شان یعنی حدود یک میلیون و دویست و هفتاد هزار نفرشان در سنین ۱۵ تا ۱۹ سال قرار داشتند.

کار کردن کودکان به طور رسمی ممنوع است. اما در سرتاسر ایران، کودکان کار و رنج روزانه ساعت های طولانی در شرایطی خطرناک و غیر انسانی و با دستمزدی کم تر کار می کنند. در حالی که کار طاقت فرسا و بهره کشی از کودکان، آسیب های جبران ناپذیری به جسم و روان آن ها وارد می کند.

در سال ۱۹۸۹ توافقنامه کودکان سازمان ملل به اجرا گذاشته شد و ۱۲ سال بعد، در دوازدهم ژوئن ۲۰۰۲، توافقنامه شماره ۱۸۲ سازمان بین المللی کار، موسوم به «ILO»، علیه کار کودکان به تصویب رسید.

«بر اساس توافقنامه حقوق کودکان، کودک به کسی گفته می شود که کمتر از ۱۸ سال سن داشته باشد. کار کودکان نیز به کاری گفته می شود که دسترسی کودک به آموزش را مختل کرده و بر روند رشد اثر منفی می گذارد.»

فقر مهم ترین عامل کار کودکان در ایران و جهان است. کودکان کارگرانی ارزان و مطیع هستند. از این رو، بسیاری از کارفرمایان آن ها را به نیروهای کار بزرگسال ترجیح می دهند. بسیاری از والدین فقیر علاقه مندند کودکان خود را به مدرسه بفرستند تا سر کار؛ مگر این که فشار اقتصادی آن ها را مجبور کند. البته بسیاری از خانواده ها چاره دیگری ندارند.

## کودکان خیابانی

مدیرکل سازمان بهزیستی استان تهران، طاهر رستمی، در گفتگویی با خبرنگار خبرگزاری کار ایران (ایلنا) در روز سه شنبه ۲۰ مرداد ۱۳۸۷، گفت که شمار کودکان خیابانی استان تهران طی یک سال گذشته دو برابر شده است. وی افزود که در سال ۱۳۸۶ در مجموع ۴۶۰ کودک خیابانی و کار شناسایی شده بودند که از این تعداد ۸۰ نفرشان کودک کار بودند. به گفته رستمی آمار امسال حاکی از وجود نزدیک به ۸۰۰ نفر کودک خیابانی و کار در استان تهران است. اما کارشناسان تردید دارند که این آمار در برگزیده همه کودکان خیابانی استان تهران باشد. هم چنین افزایش دوبرابری تنها محدود به تهران نیست، بلکه دیگر شهرهای بزرگ ایران، مثل اصفهان، شیراز، مشهد و تبریز نیز با این پدیده روبرو هستند. به گفته شاهدان عینی بیش تر کودکان خیابانی از صبح تا شب در حال تکدی هستند و آنچه را به دست می آورند به باج گیرانی می دهند که این کودکان را در خدمت خود گرفته اند. پدر و مادر برخی از این کودکان معنادند و فرزندانشان را به باج گیران اجاره داده اند، یا خود نیز مشغول تکدی هستند. هم چنین اخبار موثقی در دست است که باج گیران با دادن بخشی از پول حاصل از تکدی کودکان به برخی از ماموران پلیس، راه را برای شرکت سهامی نامرئی خود هموار می کنند. اما در یک سال اخیر چه اتفاقی افتاده که بر شمار کودکان خیابانی به این نسبت افزوده شده است؟ به گفته دکتر فرامرز قره باغی، جامعه شناس در تهران، عواملی مختلف و در عین حال در پیوند با هم برای چنین رشدی وجود دارد. مهم ترین عامل «شرایط اقلیمی نامناسب است، یعنی خشکسالی، قحطی و کمیابی منابع آبی و غذایی. تا حدی که بسیاری از روستاها امکان کشت و زرع و دامپروری و فعالیت های کشاورزی را از دست داده اند. بنابراین چاره‌ای برای آن ها باقی نمانده مگر این که به سمت شهرهای کوچک تر، میان شهرها، کلان شهرها و ابرشهری مانند تهران برای ادامه حیاتشان بگریزند.»

## وضعیت کارگران

براساس آمارهای رسمی در حال حاضر ۷۸۰ شهرک صنعتی در کشور وجود دارد که بیش از ۱۷ هزار واحد صنعتی در این واحدها فعال هستند. میلیون ها کارگر شاغل در این مراکز، از کم ترین امکانات رفاهی و امنیتی برخوردار نیستند؛ نه تنها دستمزدهای موجود هیچ تناسبی با تورم و گرانی واقعی ندارد، بلکه همین دستمزدهای بخور و نمیر نیز به موقع پرداخت نمی شود کارگران و خانواده آن ها را با مشکلات عدیده ای مواجه کرده اند. بسیاری از صنایع کشور، دچار بحران و ورشکستگی شده و کارگران آن ها نیز بلا تکلیف مانده اند. میلیون ها کارگر بی کارند بدون این که بیمه بی کاری مکفی داشته باشند. در این میان، هرگونه اعتراض بر حق کارگران شدیداً سرکوب می گردد و فعالین آن تهدید و دستگیر و زندانی می شوند.

مهندس محمدمهدی شهادی، معاون مرکز سلامت محیط و کار وزارت بهداشت با تاکید بر این که کارگران باید نکات بهداشتی را رعایت کنند به خبرنگار مهر گفت: ۲۰ درصد کارگران شاغل در کارگاه های کوچک و بزرگ کشور که تحت بازرسی مرکز سلامت محیط کار وزارت بهداشت قرار دارند از ابزار کار مناسبی استفاده نمی کنند. آمارها نشان می دهد که حدود ۵۰۰ هزار کارگاه کوچک و بزرگ در کشور تحت نظارت و بازرسی کارشناسان مرکز سلامت محیط و کار وزارت بهداشت قرار دارند.

شهادی گفت: بر اساس آخرین آمار این مرکز، ۱۹ درصد شاغلین در کارگاه های کشور در معرض آلودگی صوتی قرار دارند. کارشناسان حوزه سلامت معتقدند که سر و کار داشتن با مواد شیمیایی پرخطر مانند اسپری ها، حشره کش ها، محلول های پاک کننده، فرآورده های رنگ و نقاشی و سایر محلول های شیمیایی مانند بنزین و ... می تواند به مرور زمان سلامتی انسان را تهدید کند.

معاون مرکز سلامت محیط و کار وزارت بهداشت هم چنین افزود: ۱۲ درصد شاغلین در این قبیل کارگاه ها در تماس با مواد شیمیایی قرار دارند که این مواد می تواند سلامت کارگران را تهدید کند.

سایت حکومتی آفتاب، ۱۴ بهمن ۱۳۸۷، درباره بی کاری نوشت: وزیر کار و امور اجتماعی بالاخره بعد از ۲۰ روز نسبت به آمار مرکز آمار درباره نرخ بی کاری واکنش نشان داد و گفت: «به اعتقاد من این نرخ بیش از ۱۰٫۵ درصد در پائین است.» مرکز آمار، در تازه ترین گزارش خود در مورد نرخ بی کاری از کاهش این نرخ به ۹٫۵ درصد در پائین امسال خبر داده بود. این در حالی است که کارشناسان اقتصادی معتقدند که هر آمار اقتصادی باید بازتاب حقیقی خود را داشته و آثار آن در جامعه احساس شود.

به گفته کارشناسان، نرخ بی کاری تنها در شرایطی که سرمایه گذاری های مولد و فعالیت های عمرانی و حتا فعالیت های بخش خدمات افزایش داشته باشند کاهش می یابد. اما آمار کاهش افراد بی کار در حالی به طور مکرر منتشر می شود که هم زمان به دلیل اتخاذ سیاست های نادرست و مشکلات مختلف اقتصادی بخشی از کارخانجات کشور به حال تعطیل و یا نیمه تعطیل درآمده اند و کارگران آن ها نیز بی کار شده اند.

در همین حال تحلیلگران با توجه به واردات بی رویه انواع کالای مصرفی تولید شده در خارج به عنوان مهم ترین سیاست دولت در مقابله با تورم که از توان تولیدگران داخلی به عنوان عاملان ایجاد و با حفظ اشتغال موجود کاسته است، ارائه هرگونه آمار در مورد کاهش بی کاری در کشور را غیر واقعی و عجیب می دانند.

برای مثال، در تازه ترین خبری به گزارش مهر، مجتمع کشت و صنعت شمال یکی از کارخانجات فعال و پویای مازندران و به عنوان دومین تولید کننده روغن نباتی در کشور با فعالیت هزار و ۲۰۰ کارگر به طور مستقیم در امر تولیدات محصولات روغن نباتی نقش به سزایی در کشور ایفاء می کند.

این کارخانه پس از پشت سر گذاشتن یک دوره رکود و مشکلات نوانست ضمن پویایی در این امر در جهت اشتغال زایی و هم چنین تولید، عرضه و صادرات همیشه در چند ساله اخیر در رده بهترین و برترین ها قرار داشته باشد و همیشه در امر پرداخت حق و حقوق کارگران دقیق عمل کرده است.

این کارخانه در جریان طوفان امسال و به رغم خسارات سنگین با عدم حمایت بیمه ای مواجه شده و اخیراً هم اداره دارایی و مالیات با بستن مالیات سنگین برای این کارخانه موجبات تعطیلی آن را فراهم آوردند.

سرانجام این کارخانه از ۱۵ بهمن ماه ۱۳۸۷ به مدت دو روز به صورت نیمه تعطیل و از روز ۱۸ بهمن ماه به صورت کامل تعطیل شده است.

سیدمحمد جهرمی، وزیر کار، ۱۶ بهمن ۱۳۸۷، در گفتگو با فارس، اقرار کرده است: بیش از ۷۰ درصد قراردادهای موجود کارگری، موقت است...»

قبل از آن نیز یک عضو شورای عالی کار با بیان این که ۸۰ درصد از کارگران در کشور قراردادی هستند. این عضو شورای عالی کار تاکید کرد: متأسفانه شرایط به نحوی است که فقط ۲۰ درصد از کارگران مشمول ماده ۲۷ قانون کار و دارای قرارداد رسمی می توانند از مزایای قانونی خود برخوردار شوند.

اقتصاد ایران، به دلیل وابستگی شدید به صادرات نفت و واردات انبوه کالا، عمدتاً با اقتصاد جهانی گره خورده است. اکنون که فعالیت های تولیدی و بازرگانی در بخش وسیعی از جهان به شدت بحران است تأثیر آن در اقتصاد ایران، به ویژه با تنزل شدید قیمت نفت گسترده تر است. از این رو، رکود فعالیت، به ویژه در بخش صنعت ایران که بیش از این هم وجود داشت،



طی چند ماه گذشته زیر فشار بحران جهانی شدت گرفته است. این بحران تاثیر خود را در زمینه اشتغال جدید و تعطیلی کارخانه ها و کارگاه ها و متعاقب آن بی کارسازی های وسیع نیز گذاشته است.

در نشست مشترک تشکل های بخش خصوصی، مهدی فاخری، معاون امور بین الملل اتاق ایران، گفت که طی سه ماه گذشته ۱۹۱ هزار فرصت شغلی در کشور از دست رفته است.

به گزارش خبرنگار مهر در همدان، محمد جهرمی، وزیر کار و امور اجتماعی دولت احمدی نژاد، درباره اشتغال گفته است: اگر سالی یک میلیون و ۲۰۰ هزار اشتغال در کشور ایجاد نشود، نرخ بی کاری چهار درصد افزایش خواهد یافت.

## زندان ها

براساس آمارهای رسمی منتشر شده از زبان مسئولین قضایی و زندان ها در رسانه ها، سالانه بیش از ۶۰۰ هزار نفر و به عبارتی ماهیانه ۵۰۰۰۰ نفر به دلایل مختلف وارد زندان های کشور می شوند که این میزان ورودی در سال، خسارت جبران ناپذیری از ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به جامعه وارد می سازد.

اگرچه در ظاهر عنوان می شود که سالانه ۶۰۰ هزار ورودی در زندان ها داریم، اما باید توجه داشت که زندانی شدن هر فرد آثار و پیامدهای منفی فراوانی بر خانواده وی به جا می گذارد و اگر خانواده یک فرد زندانی شده را به طور متوسط ۵ نفر در نظر بگیریم، می توان نتیجه گرفت که سالانه ۲ میلیون نفر از جمعیت کشور با زندان سروکار داشته اند.

بر اساس گفته های مسئولان، سالانه میلیون ها تومان از بودجه عمومی کشور، صرف نگهداری زندانیان می شود در واقع نگهداری هر زندانی در هر ماه بین ۱۰ تا ۱۵۰ هزار تومان هزینه دارد که باید گفت هزینه قابل توجهی صرف نگهداری زندانیان در کشور می شود.

به اقرار این مسئولان، در کشور انواع زندان های باز، بسته، کانون های اصلاح و تربیت و مراکز اشتغال و حرفه آموزی در ۲۲۰ نقطه مستقر است و در تهران ۷ زندان و یک کانون اصلاح و تربیت وجود دارد. البته به این زندان های رسمی، زندان های مخفی وزارت اطلاعات، سپاه پاسداران، نیروی انتظامی و... را نیز باید اضافه کرد که مکان و شیوه کار آن ها کاملاً مخفی نگاه داشته می شود.

براساس آخرین آمار، تعداد زندانیان افغانی نیز حدود ۴ هزار نفر است که تنها جرم آنان ورود «غیرقانونی» آن ها به ایران با هدف پناهندگی در این کشور و یا تلاش برای رفتن به کشورهای پناهنده پذیر است. این رقم جدا از کل آمار زندانیان است. ایران، یکی از ۱۰ کشور اول جهان در تعداد زندانی است. رییس سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی ایران، در گفتگو با خبرنگار مهر در تاریخ ۱۲/۰۹/۱۳۸۵، با بیان این که ۱۵۲ هزار نفر در زندان های کشور نگهداری می شوند، گفت: «ایران جزء ۱۰ کشور اول جهان در تعداد زندانی است.»

علی اکبر بسفافی، هم چنین گفت: «اعتقاد داریم افرادی که علیه امنیت عمومی اقدام می کنند حضورشان در جامعه آرامش مردم را سلب می کند بنابراین بر نگهداری این قشر در زندان تأکید بسیار داریم و خواستار برخورد جدی با این افراد هستیم. اما باید توجه داشت که این افراد فقط ۱۰ الی ۱۵ هزار نفر را تشکیل می دهند و مابقی افشاری هستند که به دلیل جرائم غیر عمد در زندان ها به سر می برند.»

روشن است که رقم واقعی زندانیان سیاسی در سراسر ایران، خیلی بیش تر از رقم رسمی اعلام شده توسط این مسئول زندان های حکومت اسلامی است. با دستگیری های گسترده و دائمی فعالین سیاسی و اجتماعی در آذربایجان، کردستان، خوزستان و سیستان و بلوچستان، رقم زندانیان سیاسی سراسر کشور بالغ بر ده ها هزار نفر می شود.

در حال حاضر، بسیاری از فعالان جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانشجویی، فعالین حقوق بشر، روزنامه نگاران، وبلاگ نویسان و اقلیت های مذهبی در حکومت اسلامی، به اقدام علیه «امنیت عمومی» متهم و زندانی می شوند.

اختلاف فاحشی بین ایران و کشورهای همجوار که قابل مقایسه با ایران هستند در خصوص تعداد و نسبت زندانیان وجود دارد. تعداد زندانیان در ایران، در مقایسه با کشور ترکیه که جمعیتی برابر با جمعیت ایران دارد تقریباً ۲٫۲ برابر است.

## کسر بودجه وزارت بهداشت و درمان

یکی از سایت های انترنتی درباره کسر بودجه عرصه بهداشت و درمان، نوشت: کسری بودجه، نارضایتی بیماران از خدمات ارائه شده و دیگر مشکلات نظام سلامت، آن قدر تکرار شده که دیگر کم تر حساسیتی را بر می انگیزد.

کسری بودجه دولت برای حفظ و ارتقای سلامت ایرانیان، موضوع جدیدی نیست. اگر کسر بودجه سایر دستگاه ها در ماه های پایانی سال خود را نشان می دهد و تبدیل به دغدغه مدیران آن دستگاه می شود، کسر بودجه وزارت بهداشت چند سالی است که از ابتدای سال هم نمایان است و بحث در مورد آن نیز نتایج مثبتی به بار نیاورده است.

از دولت خاتمی که سازمان مدیریت و برنامه ریزی داشت تا دولت نهم که بودجه نویسی را هم در حوزه ریاست جمهوری متمرکز کرده، بارها و بارها کارشناسان، مسئولان وزارت بهداشت و مجلسیان از دولت خواسته اند هزینه های سلامت را واقعی ببیند. اما هیچ گاه چنین اتفاقی رخ نداده و کسر بودجه انباشته وزارت بهداشت اکنون به حدی رسیده که امیدی به اصلاح آن، حتی در سال های آینده وجود ندارد.

سال ۱۳۸۷، به گفته مسئولان وزارت بهداشت کسری بودجه این وزارتخانه به ۱۶۰۰ میلیارد تومان رسیده است که در حال حاضر تنها به پوشش ۴۰۰ میلیارد آن می توان امیدوار بود؛ آن هم در یک فرایند زمانبر و از طریق فروش سهام یک شرکت دولتی که به وزارت بهداشت واگذار شده است.

دکتر حسن امین لو، معاون امور مجلس وزارت بهداشت، در گفتگو با مهر، گفته است: قطعاً دولت نمی تواند همه خواسته های ما را تأمین کند و اولویت با نیازهای ضروری وزارت بهداشت است تا امسال را پشت سر بگذارد.

این در حالی است که کسری بودجه وزارت بهداشت امسال هم دامن پرسنل بیمارستان های دولتی را گرفته و اغلب بیمارستان های دولتی و دانشگاهی با مشکلات فراوانی در تأمین هزینه های خود مواجه شده اند و به نظر می رسد در صورت تأمین نشدن بودجه امکان پرداخت حقوق کارکنان خود را نداشته باشند.

از سوی دیگر، معاون توسعه منابع وزارت بهداشت به فارس می گوید: از ابتدای سال معلوم بود که وزارت بهداشت امسال هم با کسری قابل توجه بودجه مواجه است به همین خاطر ما اردیبهشت امسال طی یک نامه و به صورت کتبی و رسمی اعلام کردیم که بودجه امسال مصوب وزارت بهداشت توان پوشش هزینه های این وزارتخانه را تا پایان سال ندارد.

رحمت الله حافظی، با اشاره به کسری اعتبار حدود یک هزار و ۶۰۰ میلیارد تومانی وزارت بهداشت در سال جاری، می افزاید: از این میزان با تصویب دولت ۴۰۰ میلیارد تومان به صورت سهام یکی از شرکت های دولتی در اختیار وزارت بهداشت قرار گرفت که این میزان سهام این شرکت دولتی به نام وزارت بهداشت شد. وزارت بهداشت هم به زودی و طی یک برنامه زمان بندی شده این اوراق سهام را در بازار بورس می فروشد و با فروش آن بخشی از مطالبات و بدهی ها را پرداخت می کند، البته فروش کامل این اوراق ممکن است تا آخر سال عملی نباشد و تا نیمه اول سال آینده به اتمام برسد.

معاون وزیر بهداشت ادامه می دهد: جبران ۴۰۰ میلیارد تومان از کسری وزارت بهداشت نیز در لایحه اصلاحیه بودجه ۸۷ دولت پیش بینی شده که البته ممکن است این رقم تغییراتی داشته باشد با این حال نزدیک به نیمی از کسری بودجه وزارت بهداشت هنوز باقی می ماند.

وی، به بدهی های پرداخت نشده برخی دانشگاه های علوم پزشکی بابت مطالبات مرخصی مناطق محروم پرسنل از سال ۶۲ تا ۷۲ اشاره می کند و می گوید: در گزارش یکی از دانشگاه ها همین بدهی برای آن دانشگاه بالغ بر ۷/۵ میلیارد تومان بود.

معاون توسعه منابع وزارت بهداشت، درباره بودجه سال آینده وزارت بهداشت نیز می‌گوید: هنوز هیچ چیز از بودجه سال ۸۸ مشخص نیست، وزارت بهداشت پیشنهادها را به دولت اعلام کرده است...  
مدیر دفتر برنامه ریزی و منابع مالی وزارت بهداشت نیز به پیش بینی رشد ۲۴ درصدی بخش بهداشت و درمان در لایحه بودجه ۸۸ اشاره می‌کند و می‌گوید: با توجه به سیاست‌های انقباضی دولت، این میزان رشد نیاز مالی ما را تامین نمی‌کند.

مسعود ابوالحلاج، در گفتگو با ایسنا، با اشاره به بحث جدید حامل‌های انرژی و حذف پارانه‌ها و تامین ۸۵ میلیارد تومان اعتبار از این محل برای بودجه سال آینده، می‌گوید: مشکل اصلی بخش بهداشت و درمان، تامین هزینه‌های پرسنلی است که به نظر می‌رسد با ۲۴ درصد رشد در بودجه ۸۸ دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور در سال آینده نیز با مشکل پرداخت حقوق و دستمزد پرسنلی روبرو شوند.

او با بیان این که هم اکنون دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور در هزینه پرسنلی قراردادی و شرکتی با مشکل مواجهند، می‌افزاید: این در حالی است که پرداخت کارانه پزشکان و پرسنل و پرداخت قراردادهای هم به تاخیر افتاده است.

مدیر دفتر برنامه ریزی و منابع مالی وزارت بهداشت، با اشاره به اختصاص اعتبار ۱۵۰ میلیارد تومانی در ابتدای سال برای رفع بدهی دارویی مراکز درمانی می‌گوید: چون هزینه پایگاه‌های اورژانس کشور از محل قرارداد شرکتی و نیروهای غیررسمی تامین و حتما مشمول بند «و» هم نمی‌شود در بسیاری از این پایگاه‌ها با مشکل روبرو هستیم.

ابوالحلاج، به توسعه فضای فیزیکی از قبیل توسعه بیمارستان‌ها، پایگاه‌های اورژانس، شبکه و خانه‌های بهداشت و عدم تامین منابع مالی کافی برای آن‌ها اشاره می‌کند و با تأکید بر ضرورت توجه بیش‌تر خیرین در بخش سلامت برای جبران هزینه‌ها جهت خرید دستگاه‌های دیالیز و هزینه‌های جاری بیمارستان، می‌گوید: کمک خیرین راهکار موثری در تامین برخی از کسری هزینه‌هاست.

با این بحث‌ها، به نظر می‌آید دولت اهمیتی برای تامین کسری بودجه وزارت بهداشت نمی‌دهد از این رو، هر ساله این مساله تکرار می‌شود و آسیب‌های زیادی به بهداشت عمومی جامعه می‌زند.

### مرگ و میرهای غیرطبیعی

انبدای ترین و بدیهی ترین عوارض سیاست‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حکومت اسلامی این است که آسیب‌های اجتماعی را رشد و گسترش فوق‌العاده‌ای می‌دهد و در اثر فشارهای روحی و روانی و جسمی، سن بیماری‌هایی هم چون سکنه را پایین می‌آورد و خودکشی و غیره نیز شیوع پیدا می‌کند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که متاسفانه این مسایل در جامعه ایران هر روز بیش‌تر از روز قبل گسترش می‌یابد.

روزنامه سرمایه، در تاریخ ۱۰ بهمن ۱۳۸۷، در یک گزارش تحلیلی و آماری نوشت: بر اساس آمار و ارقام سازمان بهشت زهرا در ۹ ماه اول سال جاری از بین ۲۷ هزار و ۲۸۸ متوفی تهرانی تنها ۱۴ نفر بر اثر مرگ طبیعی مرده‌اند و بیش از ۹۸ درصد متوفیان به بیماری‌های مختلف قلبی، عروقی و سرطان مبتلا بودند. مطابق این آمار که از سوی خیرگزاری مهر منتشر شده است، ابتدا به انواع بیماری‌های قلبی اولین عامل مرگ شهروندان تهرانی طی ۹ ماه اول سال جاری بوده و ایست قلبی بیش‌ترین درصد را در این میان به خود اختصاص داده است. بعد از این عامل، سرطان عامل دوم مرگ تهرانی‌هاست که این عوامل در طول شش سال همواره ثابت بوده‌اند. در این گزارش جایگاه مرگ و میر تهرانی‌ها در اثر تصادفات مشخص نیست هرچند پلیس راهنمایی و رانندگی پیش از این اعلام کرده بود در ایران، هر ۲۵ دقیقه یک نفر بر اثر سوانح رانندگی کشته می‌شود. سرتیپ کمال هادیان فر جانشین رییس پلیس راهنمایی و رانندگی نیز با اعلام این که روزانه ۷۰ نفر در ایران بر اثر حوادث رانندگی جان خود را از دست می‌دهند، گفته بود: «مرگ و میر ناشی از تصادفات، دومین علت مرگ و میر بعد از ایست قلبی در ایران است.»

طبق گزارش سازمان بهشت زهرا در ۹ ماه سال جاری شش هزار و ۲۴۹ شهروند تهرانی دچار ایست قلبی شده‌اند که این آمار در مقایسه با ۱۲ ماه سال گذشته چند برابر افزایش داشته است به گونه‌ای که در تمام سال گذشته تعداد متوفیان بر اثر ایست قلبی پنج هزار و ۶۹۸ نفر بوده است. از سوی دیگر آمارهای منتشر شده توسط سازمان بهشت زهرا نشان می‌دهد تعداد فوت شدگان بر اثر مرگ طبیعی در سال گذشته که کارشناسان سلامت بین آن و کیفیت زندگی شهروندی ارتباط مستقیم قائل می‌شوند، از بین ۵۰ هزار و ۸۱۵ نفر تنها ۳۰ نفر بوده است. این آمار از تعداد متوفیان ۱۲ ماه سازمان بهشت زهرا استخراج شده است.

موضوع دیگر در این ارتباط میانگین سنی متوفیان بر اثر مرگ طبیعی است که نسبت به سال گذشته افزایش یافته است. سال گذشته میانگین سنی متوفیان بر اثر مرگ طبیعی ۵۷/۹۱ بوده که در ۹ ماه سال جاری این آمار به ۶۳/۱۲ سال رسیده است. چندی پیش سازمان بهشت زهرا در خیرگی تکان دهنده اعلام کرده بود ۱۴ تهرانی در ۹ ماه اخیر در اثر سوء تغذیه فوت شده‌اند. این آمار و ارقام که از آمار فوت شدگان سازمان بهشت زهرا که در سازمان پزشکی قانونی استخراج شده هم چنین گویای آن است که در سال گذشته ۳۳ نفر بر اثر سوء تغذیه جان خود را از دست داده‌اند.

ایسنا، ۱۹ بهمن ماه ۱۳۸۷، نوشت: رییس گروه قلب دانشگاه علوم پزشکی شیراز، گفت: سن معمول سکنه قلبی در ایران پایین آمده و به ۲۵ تا ۴۰ سال رسیده است، به طوری که پرخطرترین سن سکنه قلبی همین دوره است.

### پدیده خودکشی

روزنامه سرمایه، ۱۱ بهمن ۱۳۸۷-۲۰ فوریه ۲۰۰۹، درباره پدیده خودکشی در ایران، نوشت: بنابر آخرین آمارهای رسمی اعلام شده تعداد کسانی که طی یک سال خودکشی موفق کرده‌اند، پنج درصد هزار نفر یا سه هزار و ۵۰۰ نفر در کشور است. اما سیدمهدی حسن زاده، مسنول کمیته پیشگیری از خودکشی وزارت بهداشت معتقد است: «۷۵ درصد از موارد خودکشی به خاطر مسایل فرهنگی و پیچیدگی‌های اجتماعی اعلام نمی‌شود.» بنا بر این به نظر می‌رسد تعداد این افراد ۱۴ هزار نفر در سال باشد.

دکتر میترا حفاظی، کارشناس اداره سلامت روان وزارت بهداشت در سمینار یک روزه وضعیت خودکشی در ایران و راه‌های پیشگیری از آن گفت: «با این که بیش‌تر موارد خودکشی در سطوح اقتصادی و اجتماعی پایین گزارش می‌شود اما موارد خودکشی در سطح متوسط اقتصادی و اجتماعی نیز قابل توجه است.»

هم چنین بر اساس پژوهش‌های انجام شده در کشور، بیش‌تر اقدام‌کنندگان به خودکشی را همانند سایر کشورها، زنان تشکیل می‌دهند البته مرگ ناشی از خودکشی در زنان بیش‌تر است به طوری که خودکشی در زنان متأهل بیش‌تر از زنان مجرد است. هم چنین در میان زنان خانه‌دار موارد خودکشی ۶۷ درصد نسبت به زنان شاغل بیش‌تر است.»

حفاظی ادامه داد: «اقدام‌کنندگان به خودکشی در کشور ما در گروه سنی پایین و عمدتاً جوانان بوده و رده سنی آن‌ها را ۱۵ تا ۲۰ ساله‌ها (حدود ۷۰ درصد) تشکیل می‌دهند بنابراین خودکشی در گروه نوجوان و جوان شایع‌تر است.»

کارشناس اداره سلامت روان وزارت بهداشت، با اشاره به این که «در این مورد آمار ایران نسبت به سایر کشورها در سطح پایینی گزارش می‌شود»، گفت: «این در حالی است که طی سال‌های اخیر، تعداد موارد خودکشی و مرگ ناشی از آن در کشور افزایش یافته است.»

حفاظی، در ادامه گفت: «براساس آمار سال ۸۲، به تفکیک خودسوزی به عنوان یکی از روش‌های خودکشی، استان ایلام و کرمانشاه بالاترین آمار را به خود اختصاص داده بودند. هم چنین در سال ۸۲، متوسط کشوری از نظر وضعیت خودسوزی به عنوان یکی از موارد خودکشی کاهش یافته و متوسط کشوری ۶۰۰ در ۱۰۰ هزار است که این آمار در مقایسه با آمارهای جهانی از میزان کمتری برخوردار است.»

پیش از این نیز نوربالا استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران گفته بود: «براساس بررسی ای که وزارت بهداشت در ۲۳ استان کشور در مورد عوامل مرگ و میر انجام داده، خودکشی رتبه ششم را به خود اختصاص داده که این رتبه، رتبه قابل توجهی است.»

## اعتیاد

اعتیاد یک میلیون بزرگی در میان میلیون ها خانواده ایرانی است. مواد مخدر که سرخ توزیع کلان آن ها، به باندهای مافیای درون حکومت می رسد به وفور و به قیمت ارزانی به سادگی قابل تهیه است. اخیراً خیرگزاری مهر، به نقل از پزشکی قانونی گزارش داده که در ۲۱ ماه گذشته ۵۰۹ نفر از شهروندان تهرانی بر اثر اعتیاد و مصرف مواد مخدر جان خود را از دست داده اند بنابر این آمار، هر ماه ۲۴ تهرانی بر اثر اعتیاد جان خود را از دست داده است. کارشناسان می گویند افرادی که مواد مخدر مصرف می کنند درکی درستی از زمان و مکان ندارند و برای همین، یکی از عمده ترین دلایل مرگ و میر معناتان سقوط از ارتفاع است. گزارش های پزشکی قانونی نشان می دهد که هر ماهه تعدادی از معناتان از ارتفاع سقوط کرده و دچار مرگ مغزی می شوند.

بالا رفتن مصرف مواد مخدر و شیوع مصرف مواد مخدر جدید نظیر کراک و شیشه باعث افزایش مرگ و میر شده است. ایرج شمس، پزشک اورژانس تهران می گوید: «هر ماه قربانیانی داریم که بر اثر مصرف شیشه سقوط کرده و دچار مرگ مغزی می شوند و این معضل از دو سال پیش افزایش داشته است به گونه ای که قبلاً چنین حوادثی روی نمی داد.» یکی دیگر از دلایل مرگ و میر معناتان مصرف زیاد مواد مخدر «اوردوز» است. علت مرگ معناتانی که در زیر پل ها و یا اماکن عمومی پیدا می شوند، عمدتاً مصرف زیاد مواد مخدر است.

در مورد رقم معناتان آمارهای متفاوتی منتشر می شود اما میانگین این آمارها نشان می دهند که حدود ۲ تا پنج میلیون معنات وجود دارد که مستقیماً حدود ۱۵ تا ۲۵ میلیون نفر از جمعیت ایران را در سنین مختلف تحت تاثیر قرار می دهد.

## ازدیاد بی رویه جمعیت

بدین ترتیب، حکومت اسلامی ایران در این سی سال حاکمیت خود، همه بخش های جامعه را به فساد و بحران کشیده است. از سوی دیگر، در این مدت جمعیت ایران بیش از دو برابر شده است. رئیس سازمان ثبت احوال استان تهران، در سی امین سالگرد انقلاب ایران، از رشد ۱۴۲ درصدی جمعیت تهران از اسفند سال ۱۳۵۷ تا دی ماه سال ۱۳۸۷ خبر داد.

سید احمد قشیمی، در گفتگو با خبرنگار مهر با بیان این که جمعیت استان تهران هم زمان با انقلاب، ۵ میلیون و ۶۵۶ هزار و ۲۲۲ نفر بوده است، افزود: «اما با پایان دی ماه سال ۱۳۸۷ جمعیت پایتخت کشور به ۱۲ میلیون و ۶۵۸ هزار و ۷۵۴ نفر رسید.» در حالی که در این سال، در شمال ایران خانه ها و ویلاهای بسیار مجلل چند هزار متری با استخر و به ده ها امکان و ابزار پیشرفته مجهزند بر عکس، در جنوب شهر فقر و فلاکت به شکل زمخت تری به چشم می خورد. علاوه بر این، شهرک هایی در حاشیه تهران ساخته شده که حتی فاقد جاده کشتی، آب لوله کشی و فاقد کم ترین امکانات شهرسازی در بغل گوش پایتخت نمایندگان «خدا» هستند. از سوی دیگر، در این سی سال، نیروی جوانی پا به عرصه صحنه سیاسی و اجتماعی ایران گذاشته است که در حکومت اسلامی متولد و بزرگ شده اند شدیداً از این حکومت و سران آن نفرت دارند؛ به دلیل این که این نیروی جوان، با انرژی فوق العاده ای به دنبال نوآوری و زندگی بهتری ست هر چه پیش تر ترس حاکمان را دامن می زند. در سی سال حکومت اسلامی، فشاری از سرمایه داران در ایران «ظهور» کرده اند که با سرمایه داران بزرگ جهان، رقابت می کنند؛ در حالی که دستمزد صدها کارگر در ایران با تاخیر پرداخت می گردد. معلمان، این بخش زحمت کش طبقه کارگر ایران، چندین سال است که برای دست یابی به حقوق خود، دست به اعتراض و اعتصاب می زنند و اجباراً به دنبال شغل دوم و سومی هم هستند تا زندگی خود و خانواده شان را تامین کنند.

## آمارها

در طول سی سال حاکمیت اسلامی، گسترش بیش از پیش مسایل و معضلات اجتماعی در جامعه جوان و کودک ایران (با بیش از ۶۵ درصد جمعیت زیر ۲۵ سال)، سبب بروز نابسانمانی و تضادهای اجتماعی بسیاری گردیده است. به صورت اجمالی این مسایل عبارتند از:

۱۴ تا ۲۰ میلیون نفر زیر خط فقر؛ بیش از ۳ میلیون نفر محروم از تحصیل در آموزش عمومی؛ بین یک تا دو میلیون کودک کار و سوء استفاده جنسی و جسمی از آنان در فضاهای شغلی ناامن غیر بهداشتی و غیررسمی؛ بوکی استخوان و کوتاه شدن قامت کودکان تا ۱۰ سانتیمتر به دلیل گرسنگی و سوء تغذیه؛ بیش از ۸۰ هزار کودک بی شناسنامه؛ سوء استفاده نظامی از کودکان به عنوان بسیجی به ویژه بسیج دانش آموزی؛ آزار ۳۰ درصد کودکان بین یک تا ۵ ساله؛ بیش از ۲۰ درصد بین ۶ تا ۱۱ و ۱۰ درصد بین ۱۱ تا ۱۸ ساله؛ ازدواج زود هنگام کودکان زیر ۱۸ سال بیش از ۷۰۰ هزار نفر؛ فقر و ناامنی زندگی زنان سرپرست خانوار بر اثر طلاق یا فوت همسر بیش از یک میلیون خانوار؛ تبعیض جنسی و خشونت علیه زنان ۶۷ درصد با حداقل یک بار خشونت در محیط خانواده کار و جامعه؛ تهدید و دستگیری زنان در معابر عمومی و برخورد خشن و تحقیرآمیز؛ مجازات اعدام برای کودکان و بزرگسالان، اعدام قریب بیش از ۲۰۰ نفر در ملاء عام؛ سنگسار زنان و مردان به دلیل فقط رابطه عاطفی-جنسی، وقوع سنگسار در سال جاری و محکومیت عده ای دیگر؛ گسترش تن فروشی و فاجاق زنان برای بازار سکس در کشورهای همسایه بر اثر فقر و فقدان فرصت های اجتماعی برابر، حدود ۳۰۰ هزار نفر؛ بی کاری روزافزون کارگران و معلمان و دستگیری تیف وسیعی از معترضان مزدگیران در مطالبه حقوق خود؛ منع انتشار آثار نویسندگان و هنرمندان منتقد و آزاداندیش و باگانی و زندان کتب و طرح های آنان در ممیزی وزارت ارشاد؛ سانسور شدید در حوزه نشر و توقیف مطبوعات و خودسانسوری آن ها و فیلترینگ فضاهای اینترنتی برای سایت های خبری و فکری؛ وجود سیستم تبعیض در گزینش دانشجو؛ اختصاص حقوق ویژه به مدیران حکومت از حیث اعتقادی و سیاسی و انحصار و رانت خواری در برخورداری آن ها از امکانات در فضاهای آموزشی، اقتصادی، سیاسی و شغلی؛ تبعیض دینی و مذهبی علیه بهائیان و محرومیت بیش از ۲۰۰ دانشجوی بهایی از تحصیل در یک سال گذشته و هم چنین سایر اقلیت های مذهبی؛ محرومیت مردم تحت ستم در مناطق مرزی کشور نظیر کردها، آذری ها، اعراب، بلوچ ها و عدم مشارکت آنان در تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی خود؛ گسترش اعتیاد، بیش از ۵ میلیون معتاد و در دسترس بودن انواع مواد مخدر؛ در معرض اعتیاد بودن دانش آموزان، بیش از ۲ میلیون نفر؛ افزایش خودکشی در سال های اخیر، خودکشی ۱۷۰۰ کودک در طی سال های ۷۶ تا ۸۰ و ثبت ۱۴ هزار مورد در کل سنین و رشد آن در سال های اخیر؛ وقوع قتل، بیش از ۷ هزار مورد در طول سال های ۷۶ تا ۸۰ و قتل های ناموسی حدود ۴۰۰ مورد؛ برخوردهای خشن، غیرانسانی و همسان گرا با جرایم و بزهکاران تحت عنوان «ارادل و اوپاش»؛ سرکوب جنبش های اجتماعی زنان، کارگران، معلمان، دانشجویان، نویسندگان، روزنامه نگاران و دستگیری گسترده فعالان آن ها؛ مهاجرت روزافزون نیروی انسانی ماهر و دانش آموخته دانشگاهی از کشور بیش از ۱۰۰ هزار نفر در سال و عدم بهره گیری از جمعیت بزرگ متخصص و تحصیل کرده و...

\*\*\*

سرانجام اگر انقلاب ایران، توسط حکومت اسلامی به خاک و خون کشیده شد و سران و اطرافیان آن ها، مانند گرگ های گریسته، در تقسیم قدرت اقتصادی و سیاسی، حتی به جان همدیگر نیز افتادند برعکس، در این سی سال مردم ایران از هرگونه آزادی محروم بوده و خود را در زندانی به بزرگی ایران حس می کند و حدود ۸۰ درصد مردم جامعه ما، زندگی خود را همواره در ناامنی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی می گذرانند.

در چنین شرایطی، در جامعه ای که جان انسان بی ارزش است توجه به آزادی های فردی و اجتماعی، آزادی اندیشه و بیان، آزادی مطبوعات و فعالیت متشکل متحد، به حاشیه رانده می شوند و حفظ جان و نامین زندگی فردی و فردگرایی جای همبستگی و مبارزه جمعی را می گیرد. از این رو، اکثریت شهروندان جامعه ایران از فعالیت مشترک که کاری پرخطر و حنا خطر جانی نیز در بردارد گریزانند. مسلما این سیاست گریزی مردم، به معنای واقعی نه تنها مشکلی را حل نمی کند، بلکه حکومت را در ادامه جنایت هایش نیز هارتر می کند. سیاست ها و عملکردهای حکومت اسلامی و سرکوب های بی رحمانه و وحشیانه آن ها، این وضعیت را بر جامعه ایران تحمیل کرده است. مساله ای که خواست سرمایه داری و حکومت حامی سرمایه است. اما این سیاست گریزی در سال های اخیر کاهش یافته و توجه تعداد وسیعی از فعالین سیاسی و اجتماعی و به ویژه نیروی جوانان را به فعالیت در صفوف جنبش کارگری، جنبش دانشجویی و جنبش زنان جلب شده است. با این وجود ضروری است که فعالین جنبش های اجتماعی و نویسندگان و نگاران هرچه بیشتر در مورد عوارض و عواقب این سیاست گریزی، به جامعه هشدار دهند و مردم و به ویژه جوانان را به فعالیت متشکل سیاسی و اجتماعی تشویق کنند. تاکنون با جان فشانی و از خودگذشتگی و شهادت بی نظیر فعالین جنبش های اجتماعی و هم چنین بسیاری از نویسندگان، هنرمندان و روزنامه نگاران جسور و پیشرو، تجارب ارزنده ای نصیب جامعه ایران شده است. این تجارب مبارزاتی سیاسی و اجتماعی که بسیار هم گران تمام شده اند و در راه آن نیز ده ها هزار انسان توسط جوخه های مرگ حکومت اسلامی اعدام و یا ترور شده اند، هنوز هم زندان های حکومت اسلامی، مملو از زندانیان سیاسی و جوانانی است که به دلیل بی کاری، فقر و محرومیت اقتصادی و اجتماعی، از سر ناچاری به بزهکاری روی آورده اند، واقعیت های تلخ و تکان دهنده جامعه ماست؛ عامل اصلی آن هم جز حکومت اسلامی، جریان دیگری نیست. بنابراین، نیرویی که در انقلاب بهمن حضور داشت و هنوز هم از مبارزه در راه تحقق اهداف و آرمان های خود دست نکشیده و به مراتب جافانده تر و با تجربه تر از سال ۵۷، به مبارزه سیاسی - طبقاتی خود ادامه می دهد مسلما اگر با نیرویی که انقلاب ۵۷ را ندیده و در حکومت اسلامی چشم به جهان گشوده است و برای نوآوری مبارزه می کند در یک صف فرار بگیرند بی شک به عنوان محرکه حرکت مردم به سوی تغییرات بنیادی نقش مهمی ایفا خواهند کرد. این نیرو با تحمیل گام به گام مطالبات روزمره خود، زمینه را برای تحولات انقلابی دیگر فراهم می سازد.

حکومتی که در این سی سال، حنا یک بار هم اجازه نداده است کانون نویسندگان ایران، مجمع عمومی اعضای خود را به صورت علنی برگزار کند. به کانون اجازه داده نمی شود جای ثابتی برای برگزاری جلسات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی خود از جمله برای شعرخوانی و داستان خوانی و... داشته باشد. مسئولین این کانون هر بار در خانه ای هم جمع شدند با یورش مامورین امنیتی روبرو شدند و مورد توهین و بازجویی قرار گرفتند. حکومتی که مامورین امنیتی آن، با طرح و نقشه عمل از پیش تعیین شده نخست نویسندگانی چون مختاری و پوبنده را ربودند و سپس در زیر شکنجه آن ها را با طناب خفه کردند و جنازه شان در اطراف تهران رها نمودند. حکومتی که در این سی سال، ده ها هزار انسان را اعدام کرده و صدها فعال سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را در داخل و خارج کشور ترور کرده است. حکومتی که سران آن در جهان به عنوان دشمن درجه یک آزادی اندیشه، بیان و تشکل و تروریست معروفند و حتی نهادهای قضایی برخی از کشورها، برای آن ها حکم تحت تعقیب و دستگیری نیز صادر کرده اند. حکومتی که شکنجه گران آن، زندانیان را به طور وحشتناکی شکنجه و حنا در زیر شکنجه به برخی از آن ها تجاوز کرده اند. هم اکنون زندان های این حکومت پر از زندانیان سیاسی است و هر سال صدها هزار شهروند به دلایل مختلف گذریشان به دادگاه و زندان می افتد و... با چنین حکومتی چه باید کرد؟ آیا باید دست روی دست گذاشت و منتظر شد با خیمه شب بازی های انتخاباتی وضع موجود جامعه تغییر کند؟ مگر در این سی سال مضحکه انتخابات، چه چیزی به نفع مردم و رفاه و آزادی هایش تغییر کرده است؟ به خصوص در کشوری که فعالیت احزاب و سازمان های سیاسی ممنوع است؛ جلو هرگونه فعالیت در جهت برپایی تشکل های توده طبقه کارگر و دیگر افشار مردم گرفته می شود؛ سانسور شدید بر رسانه های گروهی حاکم است و روزنامه نگاران منتقد و مخالف از کار بر کار می شوند و با جرمه و زندان محکوم می گردند؛ در چنین حکومتی انتخابات چه معنی دارد؟ مسلما در چنین شرایطی، باید به فکر انقلاب دیگری بود که با اتکا به تجارب انقلاب ۵۷ و سی سال مبارزه پیگیر، جامعه با نیروی مستقیم خود بساط این حکومت جانی را برچیند و حکومتی را تاسیس شود که در آن، هیچ انسانی مورد تبعیض، ستم و نابرابری قرار نگیرد؛ همه شهروندان ایران بدون توجه به ملیت، جنسیت و باورهایشان، از همه دستاوردهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به طور یک سان و برابر برخوردار گردند. جامعه ای که زندان های آن، به ویژه زندان اوین به موزه هایی تبدیل شوند که بازدید کنندگان آن، هر چه بیش تر با جنایات تاریخی حکومت های پهلوی و اسلامی از نزدیک آشنا شوند. سرانجام مردم ایران، با دخالت مستقیم خود حکومتی را بر سر کار بیاورند که نه مافوق مردم، بلکه در کنترل مردم و خدمتگزار مردم باشد و هر گاه مقامات این حکومت، از انجام وظایف خود عدول کردند بلافاصله از سمت خود برکنار گردند.

اکنون از سخنرانی معروف آیت الله خمینی، در گورستان بهشت زهرا حدود سی سال می گذرد. وی، در این سخنرانی خود، از جمله گفت: «من دولت تعیین می کنم، من تو ذهن این دولت می زنم، من دولت تعیین می کنم...» دولتی که خمینی، تعیین کرد هم سران آن باید به دلیل جنایت سازمان یافته و طراحی شده علیه بشریت، مورد محاکمه قرار گیرند و فضات در فضایی عادلانه و علنی، قبل از این که به فکر صدور حکم علیه آن ها باشد به فکر آگاه ساختن از طرح های پشت پرده جنایات آن ها، از جمله کشتار زندانیان سیاسی در سال اول انقلاب، سال های ۶۰ و ۶۲ و به ویژه قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷، قتل های موسوم به «قتل های زنجیره ای» و هم چنین امروز به دلیل ویران کردن گورستان خاوران و آشکار شدن دیگر گورهای جمعی در سراسر کشور باشند. هم چنین روشن کنند که سران حکومت اسلامی، این همه درآمدهای کلان کشور را به چه عرصه ای و یا به چه کسانی اختصاص داده اند و...

مسلما حکومت اسلامی ایران، به دلیل همه جنایاتی که علیه بشریت مرتکب شده است، محکوم به فناست. از این رو، دیر یا زود، مردم آزادی خواه ایران و در پیشاپیش همه کارگران، در صف های میلیونی در خیابان ها راه خواهند افتاد و حکومت اسلامی را نیز مانند حکومت سلطنتی با قدرت و نیروی اجتماعی خود سرنگون خواهند کرد. سرنگونی حکومت اسلامی، با دخالت مستقیم مردم ایران و در پیشاپیش همه طبقه کارگر آگاه، متشکل و متحدی که با اتکا به استراتژی کمونیستی در حرکت است نه تخیلی، بلکه عملی و امکان پذیر و واقعیتی غیرقابل انکار است همان طور که پایان دادن به عمر ۲۵۰۰ ساله سلطنتی در ایران عملی و امکان پذیر بود. کافی است که نیروهای اجتماعی و قبل از هر کس طبقه کارگر ایران، ضعف های خود را به ویژه در عرصه خودسازمان یابی برطرف کند و به عنوان طبقه اصلی جامعه، همه جنبش های اجتماعی و حق طلب دیگر را نیز متحد کند آن هنگام قادر خواهد بود با رهایی خود از اسارت و استثمار سیستم سرمایه داری، کل جامعه را رها سازد.

بیست و دوم بهمن ۱۳۸۷ - دهم فوریه ۲۰۰۹